



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

16

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash\_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود 12 سپتامبر 2007 - 21 شهریور 1386

## مبارزه علیه مدارس مذهبی

انتخابات در استان انتاریو و رسانه های عمومی

\* سخنرانی هما ارجمند در مرکز تحقیق انتاریو

صفحات 4 و 9

نامه سرگشاده به کادرها و فعالین جنبش کمونیسم کارگری  
وظائف ما در قبال تشتت و پراکندگی حاکم بر جنبش کمونیسم کارگری

صفحه 2

## به کمپین 10 اکتبر بپیوندید!

نامه سرگشاده به سایتها، نهادها، سازمانها و احزاب مخالف اعدام

## هیات دایر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد!

صفحه 5

## به قول فروید ... جرم، مذهب، جزای دینی

صفحه 18

شهلا نوری



شکست در عراق،

حمله به ایران!؟

سندی تایمز - لندن از احتمال حمله برق آسای  
نیروهای هوایی آمریکا به ۱۲۰۰ هدف نظامی در  
خاک ایران در ظرف سه روز صحبت میکند. بنا  
به ارزیابی های استراتژیستهای نظامی ....

صفحه 8

علی جوادی

سندیکالیسم و رفرمیسم در  
لباس رادیکالیسم کارگری

(نقدی بر مواضع جعفر عظیم زاده)

صفحه 6

خسرو دانش

یک کارگر دیگر در شرکت ایران خودرو

قربانی ناامنی محیط کار شد!

صفحه 17

در صفحات دیگر؛ کشته شدن یک کارگر در ایران خودرو، اطلاعیه ... و نامه ها.



شش سال

پس از 11 سپتامبر

دنیای کجا ایستاده است؟

آذر ماجدی

شش سال پیش در یک لحظه دنیا از حرکت ایستاد. بسیاری از مردم جهان بر روی صحنه تلویزیون اصابت یک هواپیمای مسافربری به ساختمان تجارت جهانی در نیویورک را بهت زده مشاهده کردند. یک شوک عمیق دنیا را در خود فرو برد. 11 سپتامبر به یک واقعه مهم و یک نقطه عطف تاریخی در جهان معاصر بدل شد. این عملیات تروریستی روند تاریخ را تغییر داد. دنیا پس از یازده سپتامبر دنیایی دیگر، تاریک تر، خونین تر، کورتر و سیاه تر شد.

این یکی از بزرگترین عملیات تروریستی در تاریخ است. در این حادثه چند هزار نفر کشته شدند. اما فقط تعداد کشته شدگان نیست که این واقعه را این چنین مجزا در اذهان ثبت کرده است. ویژگی یازده سپتامبر هم در تدارکات برنامه ریزی شده آن، در شیوه وحشیانه آن و هم در این واقعیت است که در آمریکا اتفاق افتاد.

تروریسم مدتهاست که به یک واقعیت دنیای ما بدل شده است. اما این عمل تروریستی ورود جهان را به یک جنگ و مسابقه تروریستی به گستردگی پهنه جهان اعلام کرد. جنبش اسلامی با این حرکت یک اعلام جنگ طولانی و جهانی به آمریکا داد و همانگونه که انتظار میرفت آمریکا با تمام قوا از این حرکت بنفع تثبیت قدرت فعال مایشانی خود استفاده کرد.

اسلام سیاسی، طی دهه 70 و 80 میلادی، با کمک مالی، نظامی، آموزشی و با پشتیبانی کامل

صفحه 11

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## نامه سرگشاده به کادرها و فعالین جنبش کمونیسم کارگری وظائف ما در قبال تشنت و پراکندگی حاکم بر جنبش کمونیسم کارگری

رفقا!

بعنوان کادرهای جنبش کمونیسم کارگری که در تاریخ پرافتخار این جنبش همراه و تحت لیدر شیپ منصور حکمت نقش و سهم داشته ایم، ضروری است که نگاهی عمیق به شرایط اغتشاش و افتراق حاکم بر جنبش کمونیسم کارگری بیاندازیم و بطور جدی در پی یافتن راه حل هایی برای فانق آمدن به این شرایط باشیم. بعنوان کمونیست هایی که به ساختن یک دنیای بهتر برای میلیون ها انسان می اندیشیم و برای آن مبارزه کرده ایم، بعنوان کمونیست هایی که معتقدیم تنها راه نجات مردم ایران از این جهنم فقر و فلاکت و کشتار و اختناق رژیم اسلامی و ساختن جامعه ای که آزادی و برابری انسان ها را تامین کند، انقلابی با افق و تحت رهبری کمونیسم کارگری است، رها کردن شرایط به حال خود و یا غرق شدن در بی افقی امری بس غیرمسئولانه است.

مقایسه شرایط جنبش کمونیسم کارگری امروز با 5 سال پیش درس هایی بسیار مهم در بر دارد. نقش رهبری و تحزب بر مبنای اصول کمونیسم کارگری منصور حکمت برای کمونیسم کارگری امری تعیین کننده و حیاتی است. حزب کمونیست کارگری یک حزب محکم و اصولی در تارک جنبش کمونیسم کارگری بود که رادیکالیسم و خواست های عمیق انسانی مردم را نمایندگی میکرد. بعنوان بزرگ ترین حزب چپ و میلیتانت ترین جریان اجتماعی علیه رژیم اسلامی، تأثیری بسزا بر فضای حاکم بر فعالیت های اپوزیسیون رژیم داشت. فضای فعالیت در خارج کشور در بسیاری موارد بدنبال فعالیت ها و سیاست های حزب تعیین میشد. سردمداران رژیم اسلامی جرئت حضور در خارج کشور را نداشتند. زمانی که خاتمی به آلمان میامد، دولت آلمان باید او را با

هلیکوپتر نقل و انتقال میداد، چراکه کمونیست های کارگری منتظر ورود او بودند. در این میان جریانات چپ سنتی یا پشت رژیم سینه میزدند و یا در حاشیه مشغول فعالیت های بی سر و صدای خود بودند.

5 سال پیش حزب کمونیست کارگری منصور حکمت را از دست داد. خود وی تلاش های بسیاری در یکی دو سال آخر زندگی برای سر و سامان دادن به یک رهبری که بتواند حزب و وحدت آن را حفظ کند، انجام داد. اما متأسفانه حزب کمونیست کارگری بسیار سریع دستخوش اختلافات و انشقاق شد. تحلیل ها در مورد چگونگی جدایی و تفرقه در حزب کمونیست کارگری متفاوت است. درک و شناخت علل این جدایی و رسیدن به نتیجه ای نسبتاً واحد قطعاً در پروسه تفوق بر انشقاق موجود نقش مهمی دارد. اما علیرغم تحلیل های مختلف مساله اصلی تلاش برای یافتن راه های نزدیکی صفوف جنبش کمونیسم کارگری و پایان دادن به این وضعیت است.

ما نظر خود را در نشریاتمان اعلام کرده ایم و بطور دقیق تر در بولتن مباحثات کمونیسم کارگری مطرح خواهیم کرد. اینجا مختصراً به آن اشاره میکنیم. از نظر ما اولین حرکت در جهت این انشقاق تلاش بخشی از رهبری برای وارونه کردن پروسه رهبری جمعی بود که در پلنوم 14 توسط منصور حکمت پیشنهاد و در حزب تصویب و اتخاذ شده بود. اولین اختلافات و انشقاق حول مساله رهبری در حزب شکل گرفت. در متن این اختلاف، دیدگاه های سیاسی - تاکتیکی کاندیدهای اصلی پست لیدرشیپ، حزب را در گپج سری، اختلاف و انشقاق بیشتر فرو برد. صف بندی های اغراق شده ای در رهبری، بشکل دو جناح بدون

پلاتفرم، شکل گرفت. این پروسه متأسفانه به انشعاب اوت 2004 بخشی از رهبری و کادرهای حزب از آن و تشکیل حزب حکمتیست منجر شد. فضای فرقه ای و تندیی که بر مجادلات میان این دو بخش حاکم شد بزرگترین لطمه را به صلابت جنبش کمونیسم کارگری، به انسانیت، فرهنگ بالا و تمدنی که نمایندگی میکرد وارد آورد. کمپین های ترور شخصیت بیشترین بی اعتمادی ها را در میان صفوف کمونیسم کارگری نسبت به برخی از رهبری وقت بوجود آورد و بدنبال آن اعتبار کمونیسم کارگری بعنوان یک افق و راه حل معتبر، در صفوف این جنبش خدشه دار شد. بی اعتمادی امروز به یکی از موانع جدی پروژه اتحاد صفوف کمونیسم کارگری بدل شده است.

مناسبات دو حزب غیر دوستانه و بخشا بر مبنای از تعصب و خصومت ادامه یافت. دیدگاه های سیاسی و تئوریک حاکم بر این احزاب که تحت عنوان "بسط منصور حکمت" معرفی میشوند، به بن بست رسیده اند. این عملاً بن بست سیاستهای چپ رادیکال است که تحت عنوان کاریست متد منصور حکمت به جنبش و جامعه ارائه میشوند. تداوم فضای غیر کمونیستی و خصمانه بین دو حزب بعد از انشعاب، و تداوم سیاست ها و دیدگاه های چپ رادیکال در دو حزب به جدایی های دیگری منجر شد. روش برخورد رهبری حزب کمونیست کارگری به فراکسیون و روش برخورد رهبری حزب حکمتیست به منقذین سیاستهای رسمی در جوانب مختلف کما بیش یکسان بود و نتایج مشابهی ببار آورد؛ تداوم انشقاق و ایجاد فضای بی اعتمادی، انفعال، تحزب گریزی و بعضاً خانه نشینی.

اکنون سه حزب درون جنبش کمونیسم کارگری وجود دارد. ما به سهم خود تلاش بسیاری برای نقد و متحول کردن این مناسبات

فرقه ای انجام داده ایم. ما همچنین برای اتحاد صفوف کمونیسم کارگری بسیار کوشیده ایم، متأسفانه این تلاش ها با برخوردهای عمیقاً فرقه ای از جانب رهبری دو حزب کمونیست کارگری و حکمتیست مواجه شده است. گویی پروژه اتحاد تمامی سرمایه زندگی شان را هدف گرفته است!

این شرایط بحران تشکیلاتی و اغتشاش حتی فرصت طلبانی که بمدت 8 سال بر دهانشان مهر سکوت زده بودند را نیز به درافشانی انداخته است. اینکه مستعفیون 8 سال پیش از حزب کمونیست کارگری، صرفاً با دادن یک اطلاعیه که فعالیت هایمان را به طرق دیگر ادامه میدهیم از حزب جدا شدند و یک کلام بحث و نقد تئوریک و سیاسی بر کاغذ و زبان نیابورند، اکنون در "نقد" مارکسیسم منصور حکمت قلمفرسایی میکنند و یادشان افتاده که مباحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه "غیرمارکسیستی" بوده است، خود انعکاسی از تشنت سیاسی ای است که بر جنبش کمونیسم کارگری حاکم است. باید بر این شرایط فانق آییم.

امروز زمان کار آرام سیاسی نیست. مردم به فقر و اختناق محکوم شده و عاصی اند. علیرغم سرکوب خشن و کشت و کشتار رژیم، مردم دست از مقاومت و اعتراض نمیشویند. طبقه کارگر تغییر ریشه ای میخواهد. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و خواهان سرنگونی آنند. در چنین شرایطی کمونیسم کارگری باید در جلوی صف اعتراض طبقه کارگر و مردم قرار گیرد و با سازماندهی صفوف مبارزه اجتماعی، این مبارزه را به سرانجام برساند. انشقاق و پراکندگی حاکم اما ایفای این نقش را بشدت سخت تر کرده است.

جالب اینجاست که کسانی که خود در شکل گیری وضعیت امروز جنبش کمونیسم

## نامه سرگشاده به کادرها ...

کارگری نقش تعیین کننده داشته اند، شرایطی که متحول شدن کمونیسم کارگری به موقعیت حزب رهبر و سازمانده جنبش اعتراضی را با موانع جدی روبرو کرده است، اکنون دست در انبان کلیشه ها برده اند و بر این حکم میدهند که جنبش سرنگونی شکست خورده، دوران غیرانقلابی و رکود است. این تحلیل ها هیچ ربطی به تئوری مارکسیسم منصور حکمت ندارد. هدف این تئوری های شکست طلبانه توجیه شکست سیاسی - تئوریک خود است. یکی دیگر از روش های آشنای خود خدمت کن این نوع رهبری که بجای پذیرش نقش خود در تحمیل این شرایط، مردم را به نقد میکشد و به کارگر تشر میزند که چرا اعتصاب نمیکند. از سوی دیگر اظهارات توخالی در ادعای رهبری انقلاب تأثیرات مخربی بر جنبش کمونیسم کارگری گذاشته است. آنها که پا بر زمین دارند، آنها که در دل مبارزات درگیرند و مشکلات و موانع را به عینه شاهدند، از شعارهای دهان پرکن به هیجان نمی آیند، دستخوش بی اعتمادی و دلسردی میشوند. مسئله ای که متأسفانه امروز بوضوح قابل مشاهده است.

در این میان برخی محافل که بدنبال "جامعه مدنی" خاتمی دل و دین باختند، اکنون در ضدیت با منصور حکمت تا آنجا میروند که سرمست عدم سرنگونی جمهوری اسلامی را بعنوان سند پیروزی سیاست های خود جار میزنند. این عجز همیشگی چپ سنتی فرقه ای است که دنبال کلیشه ها میروند و در حاشیه جامعه نشو و نما میکند. تمام تلاش منصور حکمت در سال های آخر عمرش متوجه این بود که حزب کمونیست کارگری را از این برزخ چپ حاشیه ای غرق در فرمول خارج کند.

اکنون شرایط بسیار خطیر است. جنبش مردم برای سرنگونی رژیم منفور اسلامی به اتحاد و انسجام کمونیسم کارگری نیازمند است.

پیام کنگره سوم را بخاطر بیاوریم. روزنه ای که بسوی پیروزی کمونیسم باز شده است بدون انسجام و اتحاد ما با اکتاء بر سیاست های کمونیسم کارگری منصور حکمت در این دور از جدال طبقاتی در ایران بسته خواهد شد. این رسالت بدوش ماست. به سادگی نمیتوان از کنار آن گذشت. جامعه عزم جزم تری از ما طلب میکند. باید بر فضای بی اعتمادی و بحران تشکیلاتی و عدم تامل رهبری که کادرها و فعالین جنبش کمونیسم کارگری را به انفعال، رکود و تحزب گریزی میکشاند، فائق آئیم.

## فضای بی اعتمادی!

با یک نگاه به وضعیت جنبش کمونیسم کارگری میتوان فضای بی اعتمادی ای که در این جنبش رخنه کرده است را مشاهده کرد. این بی اعتمادی نتیجه انشعابات، فضای حاکم بر آن و وضعیت کنونی است. ادامه این شرایط میتواند به تحزب گریزی، علیرغم جایگاه تعیین کننده تحزب در کمونیسم منصور حکمت، و انفعال بیانجامد. در این شرایط حتی یک دیالوگ در فضای سالم و کمونیستی به راحتی میسر نیست. بی اعتمادی بنوبه خود به یک فضای رکود و خسته از کار حزبی و تشکیلاتی دامن زده است. "میخواهم مدتی فکر کنم!" "میخواهم قدری استراحت کنم!" "اعتماد سلب شده است!" عباراتی است که توسط کادرهای بعضاً قدیمی این جنبش در احزاب کمونیست کارگری و حکمتیست و همچنین در صفوف این جنبش به کرات شنیده میشود.

تردیدی نیست که صف جنبش کمونیسم کارگری وسیع است و از اعضای سه حزب این جنبش بسیار فراتر میروند. در داخل کشور محافل کوچک و بزرگ وجود دارند که میکوشند خود نظرات و سیاست های منصور حکمت را دنبال و پیاده کنند. کمونیسم کارگری بعنوان یک افق، یک جنبش، یک دیدگاه در سال های اخیر رشد کرده است. منصور حکمت بیشتر و بیشتر

توسط جوانان شناخته و خوانده میشود. اما حزبیت در این جنبش صدمات جدی خورده است. باید بر این معضل فائق آئیم.

اعتماد را باید کسب کرد. اما در مبارزه سیاسی "شرط چاقو" حکم نمیکند. ما هر یک بعنوان کادرهای این جنبش باید در سطح یکی از رهبران کمونیست ظاهر شویم. این تلاش منصور حکمت بود که کادرهای کمونیست کارگری را به رهبران عملی و رهبران اجتماعی کمونیستی بدل کند. ما میتوانیم و باید در این سطح قد برافرازیم. در شرایط کنونی یکی از مهمترین راه های فائق آمدن بر فضای بی اعتمادی قرار گرفتن در چنین شرایطی است. اعتماد به خود بعنوان یک رهبر کمونیست کارگری که عزم جزم کرده است تا در سال های نه چندان دور برنامه یک دنیای بهتر را در ایران پیاده کند، یک رهبر کمونیست کارگری که تلاش برای برافراشتن پرچم کمونیسم کارگری در ایران را از یاد نبرده است و با تمام قوا میخواهد طعم شیرین این پیروزی را بچشد. ما در این آرزو و آرمان سهیم بودیم و باید به وظائف مان عمل کنیم. باید برای پیاده کردنش آستین بالا بزنیم. نباید اجازه دهیم که اشتباهات گذشته در یک شرایط خطیر و سخت ما را نسبت به آینده مبارزه سیاسی جنبش مان ناامید و دلسرد کند. پراتیک انقلابی انسان کمونیست ویژگی محوری کمونیسم دخالتگر منصور حکمت است. بدون حزب، بدون تشکل و بدون پراتیک انقلابی، تئوری کمونیسم کارگری مدفون میشود. کمونیسم کارگری حکمتی صرفاً یک سلسله نظرات و یک تئوری منسجم برای تحلیل و تبیین جهان نیست. کمونیسم کارگری امرش تغییر جهان است. و این امر تلاش منسجم و متحد تمام کادرهای کمونیسم کارگری را طلب میکند. باید این فضای بی اعتمادی را بشکنیم. غرق شدن در بی اعتمادی و دلسردی

معنایی جز پاسیفیسم ندارد. در غلطیدن در این فضا در شرایطی که جامعه ما را و پراتیک انقلابی و حزبی ما را طلب میکند یک غفلت بزرگ و نابخشودنی است. کمونیسم کارگری به همه ما نیازمند است.

یکی از موانع اصلی دیگر فقدان یک مرجعیت فکری با اتوریته در کل جنبش کمونیسم کارگری است. منصور حکمت دیگر در میان ما نیست. این برای همه ما دردناک است. اما او یک گنجینه عظیم از تئوری، سیاست، تاکتیک و اصول گنجینه، بویژه استراتژی قدرت گیری کمونیسم کارگری و پلانقرم ارائه شده در پلنوم 14 میتوانیم در این جدال مهم و تعیین کننده به پیش رویم. رهبری هر دو حزب حکمتیست و کمونیست کارگری میکوشند بما بقبولانند که باید منصور حکمت را بسط دهند و پاسخ های جدید اختراع کنند. تردیدی نیست که سوالهای جدید و مسائل امروز باید پاسخ کمونیستی بگیرند اما تلاش تاکنونی برای بسط منصور حکمت عملاً به عبور از منصور حکمت انجامیده است. این تلاش ها محصولی جز تضعیف کمونیسم کارگری در بر نداشته است. از فریادهای توخالی انقلاب همین جاست همینجا برقص تا شکست جنبش سرنگونی محصولات این نوآوری ها بوده است. این تراوشات موجب بی اعتمادی، دلسردی و گسبی و انشقاق درون صفوف کمونیسم کارگری شده است. ما معتقدیم که میتوان بر این اوضاع فائق آمد و باید سریعاً چنین کرد. میتوان با تکیه بر دیدگاه های منصور حکمت حزبی سیاسی و وسیع ساخت، امر سازماندهی و رهبری جنبش سرنگونی و امر انقلاب کارگری را در دستور گذاشت، فرقه گرایی، انفعال و بی اعتمادی را حاشیه ای کرد، به یک رهبری جمعی و وسیع از کادرهای کمونیسم کارگری متکی شد و این وضعیت را متحول کرد. ما بر این عقیده ایم که بویژه در شرایط موجود کمونیسم کارگری، رهبری جمعی پاسخی اصولی به انشقاق و پراکندگی حزبی

نامه سرگشاده به کادرها ...

است.

**رفقا!**

ما بسهم خود تلاش میکنیم و دعوتمان اینست که با ایجاد یک فضای سالم کمونیستی راه دیالوگ و همکاری های مشترک را بگشاییم. نزدیکی ها و نقاط اشتراک ما از نقاط افتراقمان بسیار بسیار بیشتر است. ما همگی، علیرغم اختلافات مان، به یک جنبش متعلقیم. تزه های دو رهبری حزب کمونیست کارگری و حکمتیست که احزاب دیگر را متعلق به جنبش و طبقات بورژوازی میدانند، تلاشی فرقه گرایانه و سکتاریستی است. (رهبری حزب حکمتیست دو حزب دیگر را نماینده سیاسی بورژوازی بزرگ). قرار نیست همه مثل هم بیاندیشیم. فعالیت بر مبنای موازین مشترک اولین قدم در جهت نزدیکی و اتحاد صفوف کمونیسم کارگری است. باید در مقابل دلسردی، رکود و پاسیفیسم ایستاد. ما همه در برافراشتن پرچم پرافتخار کمونیسم کارگری سهیم هستیم و باید نقش خود را ایفاء کنیم. فراخوان ما به کلیه رفقای کمونیست کارگری اینست که در پروژه اتحاد صفوف کمونیسم کارگری با ما همصدا و هم قدم شوید. باید دسته جمعی بر این فضای بی اعتمادی فائق آئیم.

ما در آینده نزدیک پلاتفرم پیشنهادی عملی پروژه اتحاد کمونیسم کارگری را به جنبش ارائه خواهیم داد. اما در همین جا چند پیشنهاد مقدماتی را برای گام برداشتن در این جهت به رفقا ارائه میدهم. امیدواریم که این پیشنهادات با برخوردی مثبت روبرو شود. با همفکری و بحث و تبادل نظر بتوانیم این پروژه حیاتی را در مسیری درست قرار دهیم.

ایجاد یک بولتن برای بحث در زمینه استراتژی کمونیسم کارگری، مساله اتحاد و تفوق بر

پراکندگی و تحزب کمونیستی؛

تلاش برای سازماندهی یک کنفرانس برای تبادل نظر و دیالوگ در مورد مسائل پیشروی جنبش کمونیسم کارگری و موقعیت کمونیسم کارگری در شرایط حاضر. به این منظور میتوان یک کمیته تدارک کنفرانس متشکل از رفقای مختلف تشکیل داد تا به امر سازماندهی این کنفرانس بپردازد؛

تعیین و تعریف اقدامات و کمپین های مشترک؛ در بسیاری زمینه های سیاسی و اجتماعی ما میتوانیم مشترکا اقدامات یا کمپین هایی را در دستور بگذاریم و به پیش ببریم؛

این نامه تنها یک فراخوان و ارائه تصویری از گوشه هایی از وضعیت غیرقابل قبول جنبش ما نیست. این تاکید است بر نقش عنصر اراده و دخالتگری کادرهای کمونیست. ما بعنوان حزب اتحاد کمونیسم کارگری از هیچ تلاشی برای رفع این موانع کوتاهی نخواهیم کرد و در عین حال به وظایف خود بعنوان یک حزب سیاسی اشراف داریم و برای آن میکوشیم. اما یک نکته باید روشن باشد، جنبش کمونیسم کارگری به تمام ماتریال انسانی و کادری خود نیازمند است. کادرهایی که در فراز و نشیب های این جنبش شرکت داشته اند و کوله باری از دانش و تجربه را با خود حمل میکنند باید در این شرایط خطیر برای رفع موانع پیروزی کمونیسم کارگری فعالانه پا پیش بگذارند. امروز وقت آنست که هر کادر این جنبش مسئولیت خود را در این مسیر تعریف کند و وارد تلاش برای تغییر این اوضاع بشود. در فقدان آلترناتیو و راه حل و پاسخ روشن و کمونیستی، سیاستها و سنتهای چپ رادیکال تماما این جنبش را به شکست میکشانند. در این تردیدی نباید داشت.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

11 سپتامبر 2000

## مبارزه علیه مدارس مذهبی

### انتخابات در استان انتاریو و رسانه های عمومی

از طرف دیگر مبارزه انتخاباتی شرایط جدیدی را برای مبارزه گسترده علیه مدارس مذهبی فراهم کرده است. کمپین يك سیستم آموزشی با تحرکات اخیر خود تا همین جا توانست زیر نورافکن رسانه های عمومی قرار گیرد. بطوری که نشست اخیر فعالین این کمپین در مرکز تحقیق انتاریو Centre for Inquiry of Ontario به تاریخ ۱۰ سپتامبر با حضور تلویزیون سراسری کانادا، سی بی سی، همراه بود. تمام این نشست يك ساعته که در آن ده تن از فعالین کمپین از زوایای مختلف به مسئله مدارس مذهبی پرداختند از طرف سی بی سی گزارش و فیلم تهیه شد و گوشه ای از آن در اخبار سراسری پخش شد. **محمود احمدی و هما ارجمند** از جمله فعالینی حاضر در این جلسه بودند که بر اهمیت حقوق کودک و نقش آموزش اسلامی تاکید داشتند.

کمپین علیه مدارس مذهبی وارد فاز جدیدی شده است. این کمپین بیش از زمانی به حمایت فعال و پیگیر همه انسانهای آزاده، مدافع حقوق کودک، مخالف دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش احتیاج دارد. از این رو به این کمپین بپیوندید و در تقویت آن بکوشید.

برای اطلاعات بیشتر:

۱۶۷۳۷۹۵۰۰ یا

www.onessn.org

حزب اتحاد کمونیسم کارگری. کانادا

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۷

مبارزه علیه مدارس مذهبی وارد دور جدیدی شده است. از یکطرف حزب محافظه کار اختصاص بودجه به همه مدارس مذهبی را جز پلاتفرم خود گذاشته است و گروههای مذهبی و در راس آنها کنگره یهودیان کانادا و گروههای اسلامی کمپین وسیعی را جهت دولتی کردن مدارس مذهبی به راه انداخته اند. انتخابات ایالتی این مسئله را هر چه بیشتر به يك موضوع مهم جدلها و تبلیغات انتخاباتی بدل کرده است. رسانه های عمومی هر روز بر سر این مسئله با مخالفین و موافقین مدارس مذهبی پائل و مصاحبه ترتیب میدهند. پیروزی حزب محافظه کار در انتخابات جاری میتواند موانع جدید و جدی را بر سر راه کمپین علیه مدارس مذهبی قرار دهد. احزاب دیگر در قدرت، چون حزب لیبرال و نیو دموکرات با دفاع خود از استاتس کو، یعنی حفظ شرایط موجود و تنها اختصاص بودجه به مدارس کاتولیک در موضع بسیار شکننده ای قرار دارند.

جنبش ترقی خواهی و سکولار بعنوان يك آلترناتیو سوم و مستقل نمیتواند به هیچ يك از احزاب اصلی در انتخابات مجلس ایالتی متکی باشد. کمپین علیه مدارس مذهبی چاره ای جز اتکا به مردم مترقی و سکولار و سازمانهای مدافع حقوق کودکان و زنان و تشکلهای معلمین و کارگران ندارد. يك ماه دوره مبارزه انتخاباتی فرصت مناسبی است برای يك حرکت گسترده ای علیه همه جریانات مدافع مدارس مذهبی و بسیج مردم و اعمال فشار همه جانبه به احزاب درگیر در انتخابات. از این فرصتی باید بهترین بهره را برد.

به کمپین علیه مدارس مذهبی در کانادا بپیوندید و از آن حمایت کنید!



## هیات دایر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد!

از این پس هر بار یکی از رفقای هیات دایر دفتر سیاسی بطور فشرده مواضع حزب را پیرامون برخی مسائل روز جامعه بیان خواهد کرد. در این شماره علی جوادی به دو سؤال پاسخ میدهد.

**اخیرا سایت "سلام دمکرات" و حزب کمونیست کارگری پیرامون فراخوان برخی از زندانیان سیاسی وارد یک مجادله سیاسی شدند. موضع حزب اتحاد کمونیسم کارگری در این ارتباط چیست؟**

**علی جوادی:** تعدادی از زندانیان سیاسی فراخوان یک حرکت اعتراضی در سطح جهان در قبال اعدامهای وحشیانه رژیم اسلامی و بمنظور لغو احکام اعدام و آزادی تمامی زندانیان سیاسی را دادند. اقدام سایت "سلام دمکرات" مبنی بر انگشت گذاشتن بر روی "شخصیت و انگیزه غیر سیاسی" یکی از این فراخوان دهندگان عملا تلاشی بود بمنظور سایه افکندن بر کل این حرکت اعتراضی و کمپینی که حزب کمونیست کارگری فراخوان داده بود. مسئولین این سایت نشان دادند که مبارزه شان برای لغو احکام اعدام شنیع اعدام، خواسته یا ناخواسته، بی قید و شرط نیست، همه جانبه نیست، پیگیر نیست. مساله این نیست که "مجرم" به چه "جرم" و یا "بهانه ای"، "سیاسی" یا غیر سیاسی، به پایه چوبه های دار برده میشود. نفس عمل اعدام قتل و جنایت دولتی است. شنیع و ضد انسانی است. هیچ "بهانه" و "جرمی" در مشروط و محدود کردن مبارزه برای لغو اعدام قابل قبول نیست. سلام دمکرات اگر مدعی است طرفدار بی قید و شرط

نشاندهنده تمدن بالا، انصاف، و سعه صدر کمونیسم کارگری منصور حکمت نبود. سیاست تاکتیکی ما این است که منتقدان ناپیگیر لغو مجازات اعدام را به مدافعین بی قید و شرط لغو مجازات اعدام تبدیل کنیم. سیاست حزب کمونیست کارگری از قرار عکس این است.

**حزب حکمتیست اعلام کرده است که کنگره یک هفته ای خود را به صورت غیر علنی برگزار خواهند کرد. در این زمینه انتقادات زیادی جاری شده است. موضع حزب در این زمینه چیست؟**

**علی جوادی:** هر حزب سیاسی مجاز است که علی الاصول به هر شکلی که میخواهد کنگره خود را، بصورت علنی و یا غیر علنی، برگزار کند. این یک اصل اساسی است. اما تحزب کمونیسم کارگری به همت منصور حکمت تلاش کرده است که خود را در دسترس جامعه قرار دهد. از کمونیسم کارگری "شیطان زدایی" کند. به تحزب کمونیسم کارگری در حد مقهور "شفافیت" ببخشد. در دسترس بودن، شفاف بودن مکانیسم های تصمیم گیری، و پاسخگو بودن از نظر ما از ویژگی های یک حزب مدرن سیاسی مارکسیستی است.

بدون تردید حزب حکمتیست دچار اختلافات عدیده درونی است. مباحث تعیین کننده ای بر سر استراتژی سیاسی و سازمانی در این حزب در جریان است. تصمیم رهبری این حزب مبنی بر کنگره یک هفته ای غیر علنی واکنشی به این

لغو مجازات اعدام است باید بی قید و شرط، بدون اما و اگر همین را بگوید. حزب اتحاد کمونیسم کارگری از فراخوان این زندانیان سیاسی مستقل از اینکه فراخوان دهندگان دارای چه گرایش سیاسی و تعلق سازمانی و یا به چه جرمی، سیاسی و غیر سیاسی، زندانی شده اند، دفاع کرد. ما اعلام کردیم که هفت سپتامبر را باید به ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام گره بزنیم.

اما رفقای حزب کمونیست کارگری علیرغم اقدام شایسته خود در اعلام آکسیون در دفاع از فراخوان ۷ سپتامبر در پیشبرد این کمپین به شدت محدود نگر و سکتاریستی عمل کردند. علیرغم حمایت بسیاری از نیروها از فراخوان ۷ سپتامبر، به همگان تاخندت که چرا این خبر را "سانسور" کرده اند (خلیل کیوان)؟! که نه بیان تمام حقیقت بود و نه موضعی اصولی. (بعلاوه اگر عدم درج یک خبر و اقدام مبارزاتی "سانسور" است، آیا این اتهام در درجه اول گریبان خود این رفقا را به دلایل مختلف نمیگیرد؟! این حزب متعاقبا به شیوه ای غیر منصفانه موضعگیری سایت "سلام دمکرات" را "دفاع از اعدام" (نوید مینایی) و "نیاز به خون" (منصور ترکاشوند) قلمداد کردند. این در حالی است که در خود سایت "روزنه" اسامی مسئولین سایت "سلام دمکرات" و نام خود این سایت در لیست حامیان فراخوان ۷ سپتامبر قید شده بود.

حزب ما علیرغم جنجالی که حزب کمونیست کارگری براه انداخته بود بطور اصولی در گیر این ماجرا نشد. از نقطه نظر ما موضعگیری این حزب در این ماجرا بهیچوجه

موقعیت ویژه حزب است. آیا این واکنش ضروری و مناسب است؟ اطلاعات عمومی ما اجازه قضاوت نهایی در این زمینه را نمیدهد. استدلالات ارائه شده نشاندهنده پرداختن به واقعیت مسائل و معضلات درونی این حزب نیست. اما مساله مهمتر از کنگره علنی و یا غیر علنی، مستقل از استدلالات و توجیهات، مساله استراتژی سیاسی و سازمانی این حزب است. حزب حکمتیست کنگره مهمی در پیش دارد. ما مباحث رفقای این حزب را به دقت دنبال میکنیم. سرنوشت این حزب برای جنبش کمونیسم کارگری و ما مهم است. اینکه کدام خط مشی آینده این حزب را رقم خواهد زد؟ آیا کمونیسم کارگری منصور حکمت خط حاکم بر این حزب خواهد بود؟ آیا کنگره این حزب ملزومات پیشروی کمونیسم کارگری را درخواهد یافت؟ آیا کنگره این حزب قادر خواهد شد مواضع و سنتهای "چپ رادیکال" را که بعضا خود را در تئوری "انقلاب مرحله ای"، "دولت موقت انتلافی"، و یا سیاستهای "شکست طلبانه" بروز میدهد، کنار بزند. باید دید!

در هر صورت ما امیدواریم که این رفقا کنگره موفقی داشته باشند. اگر این کنگره علنی بود، مسلما از جانب حزب اتحاد کمونیسم کارگری افرادی در این کنگره شرکت میکردند و بر ملزومات پیروزی کمونیسم کارگری، بر پروژه اتحاد صفوف کمونیسم کارگری، مساله حزب رهبر-حزب سازمانده و مساله مرجعیت فکری - سیاسی کمونیسم کارگری، در پس تحولات حاضر در جامعه تاکید میکرد. تاکید میکنم، سیاست اصولی ما شرکت در جلسات علنی احزاب کمونیستی - کارگری است. این سیاست نقطه مقابل سیاست "بایکوت" رهبری این احزاب است.\*

## با بولتن مباحثات کمونیسم کارگری همکاری کنید!

اولین شماره بولتن "مباحثات کمونیسم کارگری" 15 سپتامبر 2007 منتشر میشود. این یک نشریه تنوریک - سیاسی است که به مباحثات کمونیسم کارگری اختصاص دارد. در این نشریه تلاش میشود به مباحث اصلی و بحث برانگیز مطرح در جنبش کمونیسم کارگری از طریق مصاحبه، میزگرد و مقاله پرداخته شود. این یک نشریه حزبی نیست، لذا صفحات آن به روی کلیه کسانی که طی مقالاتی به مباحثات کمونیسم کارگری بپردازند، باز است. از کلیه کسانی که علاقمند به دخالت در این عرصه هستند دعوت میشود که مقالات خود را برای نشریه ارسال دارند. آخرین تاریخ دریافت مطلب برای شماره اول، 1 سپتامبر است. لطفا مقالاتتان را در فرمت word به آدرس [Majedi.azar@gmail.com](mailto:Majedi.azar@gmail.com) ارسال کنید. رد یا قبول مقاله برای انتشار با سردبیر است.

آذر ماجدی، سردبیر بولتن

## سندیکالیسم و رفرمیسم در لباس رادیکالیسم کارگری

(نقدی بر مواضع جعفر عظیم زاده)

خسرو دانش

اخیرا بولتن شماره ی جدید سایت شورا مقالات متن خود را در سایت شورا منتشر کرده که یکی از این مقالات نوشته ی دوست عزیزمان جعفر عظیم زاده یکی از فعالین سایت شورا و از اعضای هیئت مدیره ی "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" است. عنوان این نوشته "ارتقا جنبش کارگری و ضرورت حیاتی تغییر رویکردها ی موجود در میان کارگران پیشرو و فعالین کارگری" میباشد. من مقالات زیادی از این فعال عزیز و پیشرو کارگری خوانده بودم و مدتها بود روی آنها موضع داشتم و سعی میکردم مطلبی بنویسم که نوشته ی اخیر ایشان را مناسبترین دیدم تا نکاتی را در اینمورد اشاره کنم.

اتحادیه ی سراسری کارگران اخراجی و بیکار البته با توجه به اساسنامه ی خود، علیرغم ترتیب دادن "گلگشتهها" ی ماهیانه، بنوعی از سندیکالیسم پنهانی رنج میبرد و دلیل آن نوعی گرایش آگاهانه ی منفعلانه نسبت به تشکیل مجمع عمومی در فواصل کوتاهتر و بصورت فعال است. بطوریکه بر طبق اساسنامه ی این سازمان، مجمع عمومی در طول سال یکبار باید تشکیل بشود و آنهم بصورت یک در میان حق ندارد به ترکیب هیئت مدیره دست بزند که در واقع دو سال یکبار میشود. یک سازمان کارگری اگر بخواهد در طول سال یکبار مجمع عمومی خود را با چنین شرایطی برای تغییر هیئت مدیره برگزار کند در واقع بنوعی سرپوشیده وجود آنرا نفی میکند و بهتر است این مجمع اصلا تشکیل نشود. رویکرد انفعالی موجود در اساسنامه نسبت به زمان تشکیل مجمع عمومی رابطه ی مستقیم و علنی با سندیکالیسم موجود در اتحادیه است. تاکید میکنم که اینجا بحث برسر وجود سندیکا بعنوان یک تشکل کارگری و نفی آن در شرایط ممنوعیت تشکلهای

را تبرئه. جعفر عظیم زاده بعد از آن مطرح میکند که چگونگی توازن طبقاتی بین طبقه ی کارگر و سرمایه دار در جامعه است که زمینه ی نفوذ فرقه ها را در جنبش کارگری بوجود میآورد. این مند بمصداق این است که حاکم بودن چپ سنتی در جنبش کارگری اوایل انقلاب بدلیل توازن طبقاتی آندوره است و نه ارتباط تاریخی و اجتماعی جنبش چپ با جنبش کارگری. رویکردی که سعی میکند جنبش کارگری را بعنوان یک جنبش انتزاعی و منزه جلوه دهد، در صورتیکه طبق مند مارکس همواره میزان رشد طبقه ی کارگر و جنبش کارگری است که سیستمهای نظری چپ و جنبش کمونیستی مختص بخود و یکسان و مشابه با خود را بوجود میآورد و میدان دید و نقد ما در این رابطه با توجه به این مسئله مشخص میشود و مجاز به آنیم. تجربه ی تاریخی اینرا کاملا به اثبات رسانده است که این دو جنبش کاملا ارتباط ارگانیک با هم دارند و احزاب برابند و تداوم جنبشهای اجتماعی موجود در جامعه است و بمثابة یک پراتیک تاریخی و اجتماعی مشترک محسوب میشوند، وگرنه خلاف این تحلیل بنوعی مقوله ی انحراف، خیانت و رویزیونیسم را به اثبات خواهد رساند و با فرض جدا بودن چپ موجود از جنبش کارگری، رویزیونیسم صحت خواهد داشت. در صورتیکه چپ سنتی از رابطه ی تاریخی و اجتماعی و خانوادگی دانشگاه با جنبش کارگری وجود آمد. هر چه سرمایه داری بیشتر رشد و توسعه پیدا کرد دانشگاه برخلاف گذشته و اوایل دوره ی سرمایه داری (که عمدتا فرزندان طبقات مرفه و سرمایه دار به آن راه پیدا میکردند)، محل تجمع و زندگی تحصیلی فرزندان کارگری، زحمتکش، افسار کم در آمد و متوسط گردید که بطور تنگاتنگ از جنبش کارگری تاثیر گرفت و متقابلا تاثیر خود را بر جنبش کارگری نهاد. چپ سنتی و فرقه ای حاصل امتزاج و پیوند تاریخی، اجتماعی و خانوادگی جنبش دانشجویی با جنبش کارگری بود.

جنبش چپ دانشجویی در کشورهای تحت سلطه و "جهانسومی"، عمدتا بدلیل کارکرد شغلی خود، عادت داشت به پدیده ها از روی آموخته ها و افکار خود بنگرد. به جنبش کارگری و طبقه ی کارگر و تئوری کمونیسم با متد تقدم تئوری بر جنبش نگریت و ارتباط گرفت. جنبش دانشجویی که توانایی آنرا داشت آثار رهبران چپ را بخواند بدلیل جدا بودن مکانیکی جنبش خود با طبقه ی کارگر چنین تصور کرد که کمونیسم یک ایدئولوژی است و جنبش چپ در دانشگاه این ایدئولوژی را از دانشگاه بدون طبقه میبرد و طبقه هم با یک دید مکانیکی کارگران و زحمتکشانی هستند که دستانشان پینه بسته و فقیرند. کارگر فقیری که ایدئولوژی کمونیسم را از دانشجوی کمونیست میگیرد و بوسیله ی آن انقلاب میکند. این تصور نوعی زهد و تقدس شبه مذهبی پیدا کرد و اساسا جنبش کمونیستی با این متد به یک "ایدئولوژی مقدس" تبدیل شد. با این وصف چپ سنتی حاصل امتزاج مکانیکی چپ دانشگاهی "جهانسومی" با تئوری چپ و طبقه ی کارگر بود. چپی که تئوری چپ تاریخ گذشته را بخشا خوانده بود و متأثر از آن بود و در اجتماع خود کارگران را بدید مکانیکی دیده بود و از نظر خانوادگی هم اکثرا پدران، مادران و برادران و خواهران وی بودند. در واقع سوخت و ساز اجتماعی و تاریخی و نسبتی طبقه ی کارگر و جنبش کارگری با سوخت و ساز متقابل چپ دانشگاهی ترکیب یافته و چپ سنتی را بوجود آورد. سازمانها و کمیته های کارگری دوره ی اخیر نتیجه و سمبل آخرین مرحله ی تکامل و در نتیجه اضمحلال چپ سنتی اوایل انقلاب میباشد که اتحادیه ی کارگران اخراجی هم جزو یکی از آنهاست و چنانچه نتواند با محیط زیست طبیعی کارگران یعنی مراکز تولیدی کارگری و سنت مجمع عمومی مربوط به آنها ارتباط برقرار کرده و کارگران اخراجی را به همت آنها دوباره به سرکارشان برگرداند، مثل کمیته های کارگری در وضعیت فرقه ای و سنتی خواهد ماند. بدلیل اینکه یک سازمان کارگران

## سندیکالیسم و رفرمیسم

### در لباس رادیکالیسم کارگری...

**اخراجی بدون تکیه به مجمع عمومی فعال خود و بدون پیوند با سازمانهای کارگران شاغل و مطالبات آنها و بدون حمایت متقابل تبدیل به یک سازمان چپ سنتی میشود.**

گرایش دیگر جعفر عظیم زاده گرایش **ضد حزبی** ایشان است. ایشان چه در دوره ای که در کمیته ی پیگیری بود و چه در دوره ی کنونی دارای یک گرایش پایدار ضد حزبی بوده است. همینکه در خود همین نوشته از **نفی منزه طلبی جب موجود به اثبات منزه طلبی طبقه ی کارگر** و جنبش کارگری میرسد، گرایش کاملا **کارگر کارگریستی** و ضد حزبی خود را عیان میسازد و اشاره به تشکل حزبی در این نوشته از طرف ایشان، یا یک گرایش ترکیبی را نشان میدهد یا یک تظاهر صرف است. او در اکثر نوشته هایش یک رگه ی ضد حزبی و سازمانی پیشروان کمونیست و تحصیلکرده را تعقیب کرده است و اختلافات وی در دوره ی کمیته ی پیگیری و رساندن آن بمرحله ی تلاشی و **تسلیم آن بدست پست مدرنیستها** حاکی از این گرایش ضدحزبی ترکیب شده با قدرت طلبی فردی بود.

و اما نکته ی اصلی که در این نوشته عمدتا قصد داشتم به آن اشاره کنم گرایش سندیکالیستی جعفر عظیم زاده است که پشت یک موضع ظاهرا رادیکال پنهان شده است. این موضع رادیکال عمدتا تحت عنوان دهکده ی جهانی و مثلث سه ضلعی ست که از بخشها و طیفهای اصلی (یعنی دوم خردادی) سرمایه داری ایران، خانه ی کارگر و طیفهای

و چوب لای چرخ همدیگر گذاشتن بهتر است این روند اصلی سرمایه داری ایران را تشخیص بدهند و خود را وارد آن کنند. چرا که اگر اینکار را نکنند و از طرف دیگر هم **تاکید مکرر به مجمع عمومی اتحادیه ی کارگران اخراجی بکنند (که همان چوب لای چرخ گذاشتن است!)** باعث خواهد شد جنبش کارگری و چپ ایران سرکوب بشود و حداقل در روند اصلی جنبش کارگری که **سندیکالیسم** است نتواند قرار بگیرد و موقعیت مناسب را از دست بدهد. چنین موضعی عمدتا موضع حزب توده در لباس رادیکالیسم است. بدلیل اینکه اولاً دیدش نسبت به سرمایه جهانی در لباس "دهکده ی جهانی" مثبت میشود و سپس با اصل دانستن سرمایه های دوم خردادی در نهایت پیروزی را از آن جناح دوم خرداد ارزیابی میکند و جناح راست را در حال استحاله و نفی، منهدم بطور منطقی با چنین تحلیلی نه به جنگ نظم نوین جهانی میروم و نه جناح دوم خرداد و خانه ی کارگر و نه سندیکالیسم حاکم در اتحادیه ی سراسری کارگران اخراجی. زمانیکه سرمایه داری جهانی با جناح "خوب" سرمایه (جناح دوم خرداد) اصلاح طلب واقعی علیه جناح "بد" و بنیادگرای راست حاکم در ایران، بطرف ترقی و انباشت برود، طبیعی ست که تجویز مبارزه ی مطلقا میلیتانت با دهکده ی جهانی و جناح دوم خرداد از طرف حتی کمونیسم مارکس و کارگری هم جایز نیست و فقط باید با جناح راست حکومت در افتاد آنهم از طریق سندیکالیسم که واقعا پدر این جناح را در میاورد.

به این دلیل من عنوان "سندیکالیسم در لباس رادیکالیسم" را انتخاب کردم که واقعا اصطلاح بسیار مناسبی

نسبت به موضع دوستان جعفر عظیم زاده است. بدلیل اینکه در عمق بحث یک موج مثبت و در حال ترقی حرکت میکند و به یک متد خوش بینانه میرسد. خود من چنانچه حرکتی را از طرف سرمایه داری ایران و جهان در جهت حاکم کردن سازمانهای سندیکایی در جنبش کارگری مشاهده کنم طبیعتا از این روند حمایت میکنم و به آن خوشبینانه نگاه میکنم. با چنین تحلیلی بخشی از سرمایه داری ایران و جهان "مترقی" میشوند. فقط تعجبم از این است که اگر قرار است چنین افقی در ایران حاکم بشود عظیم زاده چرا میخواهند آنرا افشاء کنیم!؟

و اما آخرین نکته. دوست عزیزمان جعفر عظیم زاده از فعالین و رهبران کارگریست و تلاشهای فراوانی در این مسیر انجام داده است. این پارادوکس بطور منطقی و اثباتی در حرکت او در نهایت **بفیع سندیکالیسم و رفرمیسم** عریان تمام خواهد شد. بدلیل اینکه با چنین برداشتهایی از سرمایه ی جهانی و ایران و جناح دوم خرداد و خانه ی کارگر نمیشود آنرا بفیع رادیکالیسم سوسیالیستی تمام کرد. فقط اصلیتترین انتظارم از این دوست عزیز این است که با بنیادهای راست فکری خود به چالش برخیزد که از گذشته برایش به یادگار مانده است. این تحلیلهای فرجام و نتیجه ی منطقی متدولوژی "پروسه ی طبیعی" چپ ایدئولوژیک راست است که در نوشته های ایشان از همان ابتدا موج میزند. چپ کارگری دارد به نقطه ی تحول شگرفی میرسد. دارد خود را تکان میدهد و کل نگرش عمیقاً سنتی و ایدئولوژیک گذشته خود را از پیکر خود میزداید. من اسم این تحول را مرحله ی دوم چپ کارگری نهاده ام. حیف نیست فعالین کارگری امثال عظیم زاده این چنین اسیر گذشته بمانند. واقعا حیف است. زنجیرهای اسارت خود را از دیالکتیک مکتبی زنگار زده بگسلید دوست عزیزم!\*

## جنبش برگزاری منظم مجامع عمومی کارگری را گسترش دهید!

## مجمع عمومی ظرف دخالت مستقیم توده کارگران آنهاست!

## شکست در عراق، حمله به ایران؟!

علی جوادی



سخنان شدید الحن جورج بوش علیه "هولوکاست اتمی جمهوری اسلامی" منجر به واکنش های متعدد و همچنین ارزیابی های جدیدی از افزایش خطر حمله آمریکا و متحدینش به مواضع نظامی و اتمی جمهوری اسلامی شده است. ساندی تایمز- لندن از احتمال حمله برق آسای نیروهای هوایی آمریکا به ۱۲۰۰ هدف نظامی در خاک ایران در ظرف سه روز صحبت میکند. بنا به ارزیابی های استراتژیستهای نظامی هدف این عملیات هوایی نابودی توان نظامی و هوایی و دریایی جمهوری اسلامی است. با طرح مجدد این گزارشها و خط و نشان کشیدنهای طرفین، مجموعه ای از سؤال بر فراز سر جامعه قرار گرفته است. آیا جدال دو قطب تروریسم بین المللی، تروریسم دولتی آمریکا و متحدینش و تروریسم اسلامی و رژیم اسلامی، به عرصه تقابل نظامی در ایران کشیده خواهد شد؟ آیا با شکست در عراق ماشین نظامی آمریکا راهی ایران خواهد شد؟ یا اینکه هدف صرفا سیاسی است؟ به مرگ گرفته اند تا به تب رضایت دهند؟ و مهمتر چگونه باید به مقابله با این سناریوی خونین برخاست؟ چه باید کرد؟ چگونه باید آماده شد؟

را به خود مشغول کرده است. عربده کشی های جنگی، تهدیدهای نظامی، ارسال ناوگانهای جنگی به منطقه خلیج تماما بخشی از این استراتژی عمومی هستند. اما این استراتژی خالی از معضل نیست. بسادگی و بدون پی آمد نیست. اگر حتی جناحهایی در کشورهایی اروپایی به این استراتژی تمکین کنند، اگر فرانسه سرکوزی هم به این اردوی جنگی بپیوندد، معضل بلوک روسیه - چین کماکان در جای خود قرار دارد. تقابل افکار عمومی جهانی با چنین سیاستهایی یک معضل دیگر این "نقشه راه" است.

بدون تردید چنین استراتژی و نقشه ای دهشتناک و نابود کننده است. جامعه را متحمل صدمات کرد. مردم عادی قربانی این ماجراجویی تروریستی و آدمکشی ابر قدرت آمریکا و متحدینش خواهند بود. چنین حمله نظامی بدون شک بدون عکس العمل نظامی و همه جانبه متقابل اسلامیستها خواهد بود. حمله نظامی آمریکا خاورمیانه را شعله و رتر خواهد کرد. بر خلاف ادعاهای بی پایه مبنی بر نابودی تمامی مواضع نظامی و فرماندهی رژیم اسلامی در عرض ۷۲ ساعت، چنین اهدافی علیرغم تأثیرات مخربش، قادر به نابودی توان نظامی و واکنش رژیم اسلامی نخواهد شد. این اهداف بسادگی دست یافتنی نیستند. چنین جنگی دهها سال جامعه و شرایط زندگی را به عقب خواهد راند.

از طرف دیگر بر خلاف تصورات و تبلیغات پوچ برخی از نیروهای اپوزیسیون پرو

غربی، سلطنت طلبان و بعضا جمهوریخواهان، چنین عملیاتی منجر به سرنگونی و تغییر رژیم اسلامی نخواهد شد. منجر به بیا خواستن و قیام مردم نخواهد شد. منجر به اعتصابات سراسری و گسترده نخواهد شد. این تصورات پوچ و ضد انسانی و ضد اجتماعی اند. مردمی که تحت بمباران نظامی قرار گرفته اند، زندگی روزمره شان مختل و بعضا نابود شده است، به سختی قادر به قیام و مبارزه متشکل و سازمانیافته خواهند بود. راه دوری نباید رفت، تجربه خونین عراق در برابر ماست. بر عکس حمله نظامی در دست رژیم اسلامی زخم خورده بهانه ای برای حمله و تعرض به جامعه و قیچی کردن مبارزات و اعتراضات اجتماعی است. جنگ برای رژیمی که سرنگون نشود یک مانده آسمانی است.

اما چه باید کرد؟ نمیتوان بر روی احتمالات شرط بندی کرد. نمیتوان منتظر شلیک اولین گلوله ها و بمبارانها شد. باید از هم اکنون دست به کار شد. باید جلوی چنین سناریوی خونین و ضد انسانی را از هر دو سو گرفت. ارکان عمومی سیاست ما روشن اند. ما برای سرنگونی رژیم اسلامی و انجام انقلاب کارگری و شکست سیاستهای نظم نوین جهانی مبارزه میکنیم. مساله گری اما قرار گرفتن کمونیسیم کارگری در راس اردوئی برای تحقق این اهداف در سطح جامعه ایران و جهان است. در این زمینه باید نقشه و طرح سازماندهی اجتماعی داشت.\*

نه جنگ، نه بمب

اتمی، نه تحریم

اقتصادی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!



از این رو تا آنجایی که به خواست آزادیهای سیاسی و مدنی برمیگردد مردم در ایران یکبار دیگر چالنج قدیمی یعنی جنگیدن با يك رژيم ديكتاتور و سرکوبگر را در مقابل خود داشتند و این تاریخا عرصه جدیدی نبود و سابقه خیلی وسیعتر و گسترده تری در این رابطه وجود داشت. اما تا آنجایی که به خواست يك زندگی مدرن و پیشرو و سکولار برمیگشت ابعاد مسئله به این گستردگی و در شکل يك مقابله همجانبه با حاکمیت عرصه جدیدی بود. در دوران جمهوری اسلامی ما با يك تلاقی عمیق بین خواست آزادی و سکولاریسم مواجهه ایم. و آن این که مبارزه مردم در این میدان کاملا از کانال يك مبارزه سیاسی با حاکمیت جریان میابد.

به يك معنی میخوام بگویم چشم انداز سکولاریسم در ایران کاملا روشن است. تا آنجایی که به جامعه و توده های وسیع مردم برمیگردد جنبش سکولاریستی با موانع بزرگی مواجهه نیست. عطش مردم بخصوص در دوران حاکمیت سپاه يك رژيم مذهبی، برای برخورداری از زندگی مدرن و از نوع غربی آن چیزی نیست که سوال بردار باشد. مقاومت مردم در مقابل تعرضات دستگاههای سرکوب رژيم در چند دهه گذشته، مقاومت زنان در مقابل حجاب اجباری، جنبش عظیم دختران برای دست یابی به تحصیلات عالی، تمایل و جذب جوانان به فرهنگ غربی و موزیک و پوشش اروپایی، تحرك وسیع زنان برای داشتن حق طلاق، سرپرستی کودکان و کار و مسافرت و... همه حکایت از عمق يك جنبش گسترده برای تحقق سکولاریسم و حقوق مدنی از پایین در ایران دارد. از این رو در ایران بیش از هر چیز امر سکولاریسم با مقاومت و ستیزجویی يك حکومت مذهبی روبرو است. حکومتی که نمیتواند مذهبی باشد و در عین حال سکولار. بیهوده نبود که تلاشهای جریانات ملی مذهبی در طول يك دهه برای اصلاح حکومت عقیم شد و نتیجه ای نداد. این اپروچ را اگر لازم بود هفت و یا هشت سال پیش افشا کرد و نقد

نمیشد بروی "عظمت ایران" و ناسیونالیسم کوبید و از امریکا و فرهنگ غربی طرفداری کرد و یا به دستگاه ساواک و شهربانی و ارتش متکی بود و مردم را به خانه فرستاد و انتظارات و توقعاتشان را پایین آورد و یا سرکوب کرد. از این رو میبینید که يك رژيم کاملا مذهبی و ایدئولوژیک به همان کاری مبادرت میورزد که رژيم شاه میکرد با این تفاوت که همان يك مقدار محدود حقوق مدنی و سکولاری که مردم از آن برخوردار بودند را هم زیر ضربات شلاق، زندان و اعدام از بین برد. از مقطع تثبیت حاکمیت جدید مردم تنها با ديكتاتوری سیاسی مواجهه نبودند بلکه حقوق مدنی و حداقل شرایط سوخت و ساز يك جامعه سکولار آنان نیز مورد تاخت و تاز حاکمیت قرار گرفت.

این تعرض جدید به نرمهای مدرن و غیر مذهبی یکبار دیگر مسئله سکولاریسم و جدایی مذهب از دولت را به مسئله مهم مردم بدل کرد و به این معنی جبهه جدیدی در مقابل مردم گشوده شد. جبهه ای که هر چند از نظر تاریخی جدید نبود ولی از ویژه گیهای برخوردار بود که آن را از دورانهای گذشته متمایز میساخت. این بار جنبش سکولاریستی از بطن جامعه و نیاز پایه مردم برای يك زندگی روئین و روزمره برخاسته بود. آیا میتوانی تصور آن را بکنید که با يك جامعه وسیع شهری و صنعتی و با قشر عظیمی از مردم تحصیل کرده و جمعیت بسیار عظیمتری جوان مواجهه باشید و در عین حال در آن کشور با سکولاریسم ضدیت وجود داشته باشد و یا مردم در مخالفت با آن بوده باشند؟ در تاریخ و یا در جوامع مختلف ما با این پدیده که با سرکوب و ديكتاتوری توانستند مردم آن را خاموش نگهدارند مواجهه بودیم ولی این که بتوانند زندگی مدرن و سکولار را از مردم بگیرند بدون مقاومت گسترده و همه جانبه توده اهالی آن کشور محال و تصورش بسیار سخت است.



## چشم انداز دموکراسی سکولار در ایران

هما ارجمند

متوسط جامعه با يك ماشین عظیم سرکوب و کشتار نشان داد.

سکولاریسم در ایران پدیده جدیدی نیست. جنبش سکولاریستی برای اولین بار با جنبش مشروطیت شکل گرفت و به يك معنی بخشی از آن جنبش بود. در آن دوره شخصیتهای بزرگی چه در عرصه سیاست و چه در عرصه فرهنگ و هنر کوشیدند به این جنبش سیمای روشنی بدهند. اما آن حرکت با سرکوب دوران رضا شاهی و مقاومت جریانات مذهبی و قشر متکی به بازار و فئودالها و معرفی سکولاریسم نیم بند و از بالای رضا شاه نیمه کاره ماند. این سکولاریسم همزمان با يك ديكتاتوری همه جانبه و وسیع و در عین حال با بند و بست با دستگاه مذهبی همراه بود. همین روند در دوره محمد رضا شاه نیز ادامه داشت با این تفاوت که با اصلاحات ارضی از بالا سکولاریسم نضج بیشتری گرفت و خیلی سریع توسط بخش وسیعی از جامعه مورد استقبال قرار گرفت.

انقلاب ۵۷ و آزادیهای حاصل از انقلاب هر چند کوتاه بود ولی شرایطی را بوجود آورد که آزادی و سکولاریسم میتواند همديگر را ملاقات کنند. مطالعه این مقطع تاریخی بخوبی نشان میدهد که مردم در ایران تشنه آزادیهای سیاسی و تشنه پیشرفت و سکولاریسم هستند. اما جمهوری اسلامی که به همراه موج انقلاب و برای سرکوب انقلاب قدرت را بدست گرفته بود این روند را با آتش و خون قیچی کرد. وظیفه نیمه کاره رژيم شاه جهت سرکوب انقلاب در اساس به خمینی سپرده شده بود. اما او و تمام لیبرالها، ملی و مذهبیایی که امروز خود را طرفدار سکولاریسم و دموکراسی میخوانند، میدانستند که نمیتوان انقلاب را با همان سلاحهای محمد رضا شاه سرکوب کرد. يك دستگاه ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی جدیدی نیاز بود. ديگر

متن سخنرانی در مرکز تحقیق انتاریو

Centre for Inquiry in ntario

جمعه ۳۱ اوت ۲۰۰۷

موضوعی که برای این سخنرانی از طرف برگزار کنندگان تعیین شده "چشم انداز دموکراسی سکولار در ایران" است. این یکی از آن مسائل داغی است که بخصوص در دهه گذشته به موضوع بحث خیلی از روشنفکران، محققین و احزاب سیاسی چه در سطح ایران و چه در سطح بین المللی بدل شده است. در مورد آن کتابها و تحقیقات بسیار شده است. اما آنچه که من میخوام بروی آن فکوس کنم نه جنبه آکادمیک و تئوریک و یا تحقیقی آن است. من به جنبه پراتیکی و این که چشم انداز سکولاریسم و یک جامعه آزاد بطور واقع چگونه است و موانع آن چیست؟ و این که توده مردم از آن چه میفهمند و چگونه تحقق آن را میخواهند ممکن کنند؟ خواهم پرداخت.

اولا اپروچ من این است که نشان دهم خواست آزادی و سکولاریسم يك خواست پایه ای مردم بخصوص پس از تحکیم حکومت اسلامی در ایران، یعنی سرکوب انقلاب مردم توسط جمهوری اسلامی به سرکردگی خمینی، بوده است. این خواست تنها در سطح امیال و اشتیاق توده مردم باقی نماند و یا حتی در سطح نیاز و خواست قشر روشنفکر و تحصیل کرده خلاصه نشد. بلکه حول این خواست جنبشی شکل گرفت که از یکطرف خود را در تحرك احزاب و سازمانهای اجتماعی و پلاتفرمهای آنان منعکس کرد و از طرف دیگر تاثیر خود را در مباحث متفکرین و قشر تحصیل کرده جامعه، هنرمندان و اساتید دانشگاهها نشان داد و از همه مهم تر خود را در جدال هر روزه زنان، جوانان و کارگران و اقشار فقیر جامعه و یا حتی بخش

ما از فراخوان

"به یاری عزیزانمان در اردوگاههای "سازمان زحمتکشان" بشتابید!"  
دفاع میکنیم!

اخیرا فراخوانی از جانب خانواده ها و نزدیکان جانبختگان کومه له" تحت عنوان "به یاری عزیزانمان در اردوگاههای "سازمان زحمتکشان" بشتابید!" منتشر شده است. این فراخوان (<http://zahmatkeshan-aragh.blogfa.com>) حاوی تلاش این خانواده ها در نجات جان عزیزانشان از شرایط بحرانی و غیر انسانی است که در "سازمان زحمتکشان" دچار آن شده اند.

در این فراخوان آمده است:

"ما با توجه به اهداف و عملکرد تاکنونی این سازمان اعلام میکنیم که "سازمان زحمتکشان" یک سازمان سیاسی مترفعی در اپوزیسیون نیست. سیاستهای مخرب و غیر انسانی است. این سازمان جریانی برای پیشبرد اهداف آزادیخواهانه مردم ستمدیده نیست، سازمانی در مقابل این اهداف است. ما اعلام میکنیم که این سازمان اصلاح پذیر نیست. باید منحل شود."

در این فراخوان اعلام شده است:

"ما دولت محلی عراق مسئول تضمین امنیت جانی عزیزانمان در کردستان عراق میدانیم. دولت محلی عراق نباید اقامت عزیزان ما را که از جهنم رژیم اسلامی فرار کرده اند، منوط به عضویت در هیچ سازمانی بکند. پناهندگی یک حق انسانی است. به ما در خلاصی عزیزانمان از این وضعیت کمک کنید."

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از خواستهای پایه ای این فراخوان حمایت میکند. حزب در عین حال از تمامی نیروهای مسئول سیاسی میخواهد که به نوبه خود از این خواستها و فراخوان این خانواده ها حمایت کنند. جریانات موجود در "سازمان زحمتکشان" جریاناتی قومپرست و باند سیاهی هستند. تقلاي این جریانات و متشکل شدن تحت نامهای جدید و پیشبرد اهداف تاکنونی شان از نقطه نظر ما تلاشی علیه مدنیت و آزادیخواهی و انسانیت است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۹ سپتامبر ۲۰۰۷ - ۱۴ شهریور ۱۳۸۶

سخنرانی هما ارجمند در سمینار چشم انداز ...

کرد و مردم را از توهم برحذر داشت، امروز بکنار زده شده و خود رهبران آن سردرگم و متفرق شده اند. اپروچ دیگر این است که فکر میکند تنها با يك رنسانس فکری و فرهنگی میتوان سکولاریسم را نهادینه کرد. این تز اساسش بر این استوار است که جامعه را طالب آزادیهای

سیاسی و مدنی نمیبیند و جامعه ایران را يك جامعه عقب مانده و مذهبی میداند و از این رو بیش از هر چیزی بر کار فرهنگی و آموزشی و یا حتی نقد فلسفی مذهب فکوس دارد. این جریان نیز همان قدر پرت است که اولی. اینها یا چشمهایشان را بر واقعیات جامعه ایران میبندند و یا میخواهند به مذهب و دستگاه عظیم مذهبی خدشه ای وارد نشود و یا میخواهند جمهوری اسلامی با زدن یکسری لبه های تیزش کماکان بر سر کار باقی بماند.

اما واقعیتهای و نیاز جامعه و حرکت خود مردم خلاف این تئوریهی و سیاستها است. مردم برای آن که بتوانند امروز در ایران بقایشان را باز تولید کنند مجبور هستند که يك زندگی مدرن شهری را اتخاذ کنند. نمیتوان با يك قشر بزرگی از زنان تحصیل کرده روبرو بود و در عین حال از آنان خواست که از حقوق ابتدایی خود بگذرند و هر چه مردان خانواده امر میکنند عمل کنند! نمیتوان زنان در محیطهای صنعتی و خدماتی مشغول باشند و در عین حال به آنان بعنوان شهروند درجه دوم برخورد کرد! نمیتوان در عصر اینترنت از جوانان خواست همچون يك طلبه مذهبی زندگی کنند و از زندگی شاد و متنوع و رنگین برحذرشان داشت!

به يك معنی "چشم انداز سکولاریسم و دموکراسی در ایران" اساسا توسط حاکمیت مذهبی کور شده است و این را مردم خود میدانند و از این رو با يك جنبش عظیم سرنگونی خواهی در ایران روبرویم که آزادی و سکولاریسم و رفع تبعیض اساس پرچم آن است. چنان این دو در هم تنیده است که به سختی میتوان آنها را از هم جدا کرد. فصل مشترک جنبش زنان، جنبش مدرن جوانان، جنبش دانشجویی، جنبش کارگری و جنبش مذهب زدایی امروز دقیقا بر سر این است که چگونه رژیم اسلامی را به زیر بکشند تا بتوانند آزادیها و جامعه ای پیشرو را تامین کنند.\*

اطلاعیه های منتشر شده این هفته  
حزب اتحاد کمونیسم کارگری\* اعتراض تشکلات جهانی کارگری به  
جمهوری اسلامی!\* درگذشت فرزند میلادپور را تسلیت  
میگوئیم!\* اتحادیه های کارگری بر علیه اعدامها  
و در دفاع از ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه  
اعدام و رژیم اسلامی اعدام\* ما از فراخوان "به یاری عزیزانمان در  
اردوگاههای "سازمان زحمتکشان"  
بشتابید!" دفاع میکنی!\* به کمپین روز جهانی "علیه اعدام، علیه  
رژیم صد هزار اعدام" بپیوندید!

\* کارگران عسویه پیشقدم شده اند!

اعدام نه!

\* مبارزه علیه مدارس مذهبی

انتخابات در استان انتاریو و رسانه های  
عمومی\* نامه سرگشاده به سایتها، نهادها، سازمانها و  
احزاب مخالف اعدامبه کمپین روز جهانی "علیه اعدام، علیه  
رژیم صد هزار اعدام" بپیوندید!

آدرس تماس با مسئولین حزب

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

[Ali\\_Javadi@yahoo.com](mailto:Ali_Javadi@yahoo.com)

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی، سیاوش  
دانشور، آذر ماجدی)[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)[Sivavash\\_d@yahoo.com](mailto:Sivavash_d@yahoo.com)مسئولین کمیته سازمانده (سیاوش دانشور،  
نسرین رضاعلی)[nasrin\\_ramzanali@yahoo.com](mailto:nasrin_ramzanali@yahoo.com)مسئولین کمیته خارج کشور (کریم نوری،  
سیروان قادری)[karim.savalan@broadband.net](mailto:karim.savalan@broadband.net)[sirvan\\_qaderi@yahoo.com](mailto:sirvan_qaderi@yahoo.com)

مسئول دبیرخانه (شاره نوری)

[markazi.wupi@gmail.com](mailto:markazi.wupi@gmail.com)

## شش سال پس از 11 سپتامبر دنیا کجا ایستاده است...

در این منطقه کشیده شد. اما این فرزند شرور علیه پدر خوانده وارد عملیات شد. آمریکا که پس از ختم جنگ سرد و دنیای دو ابر قدرتی، با اعلام نظم نوین جهانی برای تثبیت خود بعنوان تنها قدرت فعال مایشاء در دنیا در تکاپو و تلاش بود، این اعلام جنگ تحریک آمیز را بفال نیک گرفت. بهترین و مناسب ترین شرایط از نظر اخلاقی، روانشناسانه و ایدئولوژیک برای تثبیت آمریکا بعنوان ارباب جهان بوجود آمده بود. مشاهده این عملیات وحشیانه و کشتار چند هزار نفر سمپاتی بخش مهمی از مردم کره ارض را به سوی آمریکا جلب کرد. اینجا بود که تی شرت های "ما همه آمریکایی هستیم!" وسیعا در کشورهای دیگر توسط جوانان پوشیده شد. آمریکا نه تنها از نظر اقتصادی و نظامی ارباب جهان بود بلکه برای اولین بار قله های رفیع اخلاقی را نیز فتح کرده بود. این موقعیت برای آمریکا پس از شکست در جنگ ویتنام یک پیروزی بزرگ محسوب میشد. برای اولین بار آمریکا بعنوان قربانی تصویر میشد.

در این شرایط زمانی که جرج بوش "جنگ علیه ترور" را اعلام کرد نه تنها با هیچ مخالفت و اعتراض جدی روبرو نشد، بلکه پشتیبانی وسیع بین المللی را بدست آورد. روشن بود که این یک جنگ سیاه، بی پایان، ویران کننده و پر قربانی خواهد بود. این نه جنگ علیه ترور، بلکه آنگونه که منصور حکمت آن را توصیف کرد "جنگ تروریست ها" جنگ دو قطب تروریسم دولتی و اسلامی بود. حمله به افغانستان با توجیه تعقیب بن لادن، عملا صحنه ای برای تثبیت قدر قدرتی آمریکا بود.

بلافاصله پس از یازده سپتامبر و همراه با اعلام جنگ علیه ترور، جنگ علیه آزادیهای سیاسی و حقوق مدنی در کشورهای غربی

اینجاست که این جنگ همان نیرویی را که قرار بود از میدان بدر کند، عملا تقویت کرده و به جان مردم انداخته است. نیروی پیروز این جنگ اسلام سیاسی، جریانات اسلامی و جمهوری اسلامی بوده است.

اگر یازده سپتامبر آمریکا را به قله های رفیع اخلاقی عروج داد، جنگ عراق اسلامیت ها را، حداقل در انظار بسیاری در جهان، در این نقطه قرار داده است. این جنگ وحشیانه توجیهات سیاسی - ایدئولوژیک و اخلاقی مهمی به اسلامیت ها و تروریسم اسلامی داده است. این جنگ باعث تقویت اسلام سیاسی در کل منطقه و در سطح بین المللی شده است. این یک تراژدی دیگر است که بر مردم بخت برگشته خاورمیانه و شمال آفریقا تحمیل شده است. نتیجه این جنگ هر چه باشد مردم قربانی این جنگ و بازنده اصلی آن هستند.

دفاع همیشگی و قاطع آمریکا از اسرائیل سال گذشته تراژدی دیگری بوجود آورد. آمریکا و بریتانیا در تلاش برای عقب راندن جمهوری اسلامی و اسلامیت ها عملا با تشویق و حمایت اسرائیل جنگ خانمان براندازی را بر مردم لبنان تحمیل کردند. این جنگ عملا به شکست اسرائیل و سیاست های آمریکا منجر شد. حزب الله بعنوان نیروی سیاسی پیروز این جنگ به قهرمان نه تنها بخش وسیعی از مردم لبنان، بلکه منطقه بدل شد. نصرالله به موقعیت قهرمان ناسیونالیسم زخم خورده عرب عروج کرد. اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی حتی قوی تر از گذشته از این جنگ عروج کردند. تی شرت های "ما همه آمریکایی هستیم!" پس از یازده سپتامبر جای خود را به "اکنون ما هم حزب الله ایم!" دادند. این تی شرت ها بطور سمبلیکی توازن قوای ایدئولوژیک - اخلاقی در جنگ تروریست ها را به نمایش میگذارد.

دنیای پس از یازده سپتامبر همانگونه که منصور حکمت 6 سال پیش تحلیل کرد، دنیایی سیاه تر، بی افق تر و غیرانسانی تر است. اکثریت قریب به اتفاق مردم دنیا از جنگ تروریست ها خسته و بیزار و خواهان زندگی در دنیایی انسانی تر اند. در این وانفسا، بدون یک آلترناتیو انسانی و روشن، مخالفین و انسان دوستان یا سرگردان و بی افق اند و یا به دام فریب ایدئولوژیک جریان اسلامی افتاده اند. اسلام سیاسی توانسته است در انظار بخشی از دنیا خود را بعنوان نیروی قربانی تعرضات و زورگویی آمریکا جلوه دهد و بعنوان سخنگوی درد عمیق و واقعی مردم عراق و فلسطین معرفی کند. این یکی دیگر از محصولات دردناک جنگ تروریست هاست.

اما این وضعیت میتواند و باید تغییر کند. این سیاهی و تاریکی ضروری و اجتناب ناپذیر نیست. ما میتوانیم و باید این جنگ تروریست ها را خاتمه دهیم. بشریت متمدن به این تغییر نیازمند است و باید برای تغییر آن بسیج شود. باید مستقل از هر دو قطب تروریستی به جنگ این تروریست ها رفت. بسیج و سازماندهی نیروی سوم، قطب سوم، بشریت متمدن علیه جنگ تروریست ها، علیه هر دو قطب تروریستی دولتی و اسلامی امری پیچیده اما امکان پذیر است. باید به دنیا اعلام کرد که در این جنگ مجبور نیستند در کنار یکی از طرفین و یا خاموش بایستند. ائتلاف و طرد هر دو قطب تروریستی، تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، تلاش برای پایان دادن به مساله فلسطین و تشکیل دو دولت مستقل، و مبارزه برای گسترش جنبش آزادیخواهانه، برابری طلبانه و سکولاریستی از ارکان یک برنامه گسترده برای بسیج بشریت متمدن علیه جنگ تروریست هاست.\*

نه به تروریسم دولتی،

نه به تروریسم اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!



## نامه ها

سیاوش دانشور

رامین تیر انداز،

با درورد انقلابی. پیام علی جوادی در مورد رهبری به دستمان رسید. ما امیدوار هستیم هرچه سریعتر جامعه لزوم حمایت از جنبش کمونیسم کارگری را درک کرده و به صفوف آن ملحق شود و زمینه برای معرفی علی جوادی به عنوان رهبر سازمانده مبارزات مردم در راه رسیدن به آزادی و برابری و نظام سوسیالیستی فراهم شود و ما در این راستا تمام تلاش های خود را به کار خواهیم بست. لطفاً در صورت امکان نظر خود را در مورد برگزاری جلسات مطالعاتی ما و متنی که هفته ی قبل ارسال شد اعلان فرمایید. با تشکر فراوان

رامین عزیز،

در مورد نکته اول پائینتر جواب میدهم. در مورد نکته دوم ما خواندن سیستماتیک و موضوعی مارکسیسم و آثار منصور حکمت را شدیداً بعنوان منابع اصلی توصیه میکنیم. حزب برنامه ای آموزشی تنظیم کرده است که برایتان ارسال میشود. این نظر فوری ما در مورد برنامه مطالعاتی رفقای عضو و فعالین جنبش کمونیسم کارگری است. همیشه پیروز باشید.

از نامه رفیق علی طاهری

علی عزیزم

... راجع به آن نکته ای هم که دوستمان رامین مطرح کرد، من هم موافقم، تامین هژمونی رهبری به چهره هایی احتیاج دارد، چه کسی بهتر از شما؟! واقعاً در تحولات آینده من به نوبه خودم فکر می کنم (به یک رهبری)\* نیاز داریم، اسلامی ها در انقلاب 57 خمینی منحوس را داشتند، حتی مجاهدین رجوی را داشتند که بعضاً چپ ها پای سخنرانیش می

رفتند! من فکر می کنم جدا از حزب اتحاد کمونیسم کارگری و کلاً جنبش اعتراضی خود شما به تنهایی با پتانسیل قوی که دارا هستید میتوانید این موقعیت را کسب کنید و ما را از شر رژیم سرمایه خلاص کنید! ...

ارادتمند همیشهگی، علی طاهری

زنده باد رهبر جوادی!

## فروغ

سلام، می خواستم بدونم آیا شما قابلیت رهبر شدن را در خودتان می بینید؟ الان جامعه بدنال رهبری فردی هستند تا جمعی و به نظر من به بدنال کسی خواهند بود که علاوه بر تفکری که بتواند انقلابی را رهبری کند جذابتهایی مثلأ در چهره و سخنرانی هایش داشته باشد. که به نظر من این نکته در شما وجود دارد. لطفاً خود را باور داشته باشید و روی حرف من هم فکر کنید و نظرتون را بدهید. زنده باد علی جوادی

دوستان عزیز،

فروغ، رامین تیرانداز، علی طاهری

در شماره های قبل نشریه در اینمورد علی جوادی توضیحی نوشت. اینجا نیز من نکاتی را تاکید میکنم. من و ما در حزب اتحاد کمونیسم کارگری تردیدی نداریم که هیچ جنبش اجتماعی بدون رهبر و صفی از رهبران کارش جلو نمیرود. فاکتور شخصیتها در مبحث حزب و جامعه به این مکانیزم اجتماعی ارجاع میدهد. حتی تردیدی در این نیست که در مقاطع مشخصی در جامعه، جنبشی عظیم با حزبی تداعی و در اذهان مردم جنبش سیاسی با نام شاخص ترین رهبر دوره اش گره میخورد. لنین برای بلشوکها در انقلاب روسیه و بسیاری چهره های دیگر در جنبشها و انقلابات معاصر همین را تاکید میکند. همینطور ما بعنوان حزب سیاسی و اعضای رهبری و کادرهای حزب تردیدی در اینکه باید چنین نقشی را در یک مقیاس اجتماعی بازی کنیم نداریم. اتفاقاً نقد ما به بقیه اینست که چرا اینگونه

میکنند و این زمانی ممکن است که کمونیستها در جدالهای اصلی جامعه و با اتکا به مکانیزمهای اجتماعی قدرت فعالیت میکنند. همینطور مکان چهره یا چهره های شاخص، که دوره ای جنبشی در سیمای آنها سمبلیزه میشود، اختیاری نیست. از همین مکانیزم اجتماعی درمی آید. بدون اتکا به مکانیزمهای جامعه و طبقه، رهبر سیاسی در بهترین حالت رهبر سازمان خود است. ما بعنوان کمونیست نه فقط به خودمان باور داریم و انتظارات بالا را مقابل جنبش مان و بویژه رهبری آن میگذاریم، بلکه در بردن کمونیسم به این قامت و بالفعل کردن امکان پیروزی تلاش میکنیم. رهبر کمونیست به روش رهبر بورژوازی و سی ان ان و تبلیغات فرقه ای رهبر نمیشود. مکانیزم رهبر شدنش سیاسی و طبقاتی است و اعتبارش را از جنبش سیاسی اش در یک مقیاس وسیع میگیرد. علی جوادی فی الحال از شناخته شده ترین رهبران این جنبش است. مسئله اینست که ما فکر میکنیم این هنوز کافی نیست. جنبش ما باید صفی از رهبران کمونیست را در مقابل جامعه بگذارد. باید گامهای بزرگتری برداشته شود که اولویت اساسی کار ماست. موفق و پیروز باشید.

## فرهاد از کردستان

سلام سیروان جان. مرسی که جواب دادی. سیروان جان من و خیلی های دیگه همانند شما و همکارانتان جوانی و زندگی خود را روی این کار گذاشته ایم و انشعابات شما روز به روز ما را نا امید تر می کند. من خود حزب زحمتکشان را به رسمیت نمیشناسم/ چون انشعاب آنهم بخاطر منافع شخصی شرم آور است. فکر نمیکند انشعاب باعث تضعیف حزب می شود؟ آیا انشعاب اولیه کمونیست کارگری از حزب کمونیست ایران اشتباه نبود؟ آرمانهای کمونیست کارگری به نظر من روز به روز به رویا نزدیکتر می شود. پس بیایم با دید باز به مشکلات جامعه نگاه کنیم نه استفاده کردن از احساسات مردم. برات آرزوی



## نامه ها...

موفقیت دارم.

## فرهاد عزیز،

تردید نیست که یک نتیجه اولیه جدائی در احزاب سیاسی نامیدی در میان دوستداران آنست. تردیدی نیست که این جدائی ها به جنبش کمونیسم کارگری لطمه زده و در مواردی ضعیف کرده است. در مورد جدائی ما از حزب کمونیست ایران کار ما اشتباه نبود. برای کمونیسم درست ترین اقدام در آن شرایط جهانی و منطقه ای و تأثیرات آن در درون حزب بود. امروز کسی که جریان ناسیونالیستی مهدی - ایلخانی و تتمه آن را در حزب کمونیست ایران میبیند، و نتیجه تکوین سیاسی گرایشات اجتماعی حزب کمونیست ایران را تعقیب کند، میبیند که مباحث منصور حکمت و کمونیسم کارگری در آندوره اثبات شده است. دوست عزیز جدائی را نباید تقدیس کرد اما هر جدائی سیاسی مذموم نیست. فردا ممکن است مثلا به ایران حمله نظامی شود. چنین واقعه ای کل اپوزیسیون ایران را تکان میدهد و بهم میریزد. اگر فرضا جناحی در حزب با هر تئوری و توجیهی فراخوان تاکتیکی "در دفاع از جمهوری اسلامی علیه امپریالیسم" یا برعکس را سرداد، ما باید چکار کنیم؟ وحدت حزب را حفظ کنیم یا پرچم سیاست کمونیستی و کارگری را برافراشته نگهداریم؟ میخواهم بگویم این جدائی ها در مقاطع مختلف تاریخی منشا اجتماعی داشتند و بخشا اجتناب ناپذیر بودند و ماحصل سیاسی شان امروز پدیده های بسیار متفاوتی اند.

به نظر من کمونیسم و عدالتخواهی در جامعه ضعیف نیست. جامعه فقر زده و اختناق زده به کمونیسم مثل نان شب نیاز دارد. معضل امروز تشنیت تشکیلاتی این جنبش است که ریشه آن هم سیاستهای غیر کمونیستی و منافی خرد اند. تلاش ما فائق آمدن به این معضل

است. با وجود ضرباتی که کمونیسم کارگری متحمل شده است، هنوز موقعیت کمونیستها و زمینه رشد اجتماعی شان بسیار بیشتر از ناسیونالیستها و راستها است. تنها باید بجنبیم و سوالات اساسی را روی میز خود بگذاریم و پاسخهای کمونیستی به آن بدهیم. باید موانع را کنار بزنیم و امید و جسارت انقلابی را مجددا میداندار بکنیم. در اینصورت کمونیسم کارگری بسرعت همان مکان شایسته ای را پیدا میکند که باید دارا باشد. تندرست باشید.

## رفیق علی جوادی عزیزم

امیدوارم که سرشار از انرژی و سرحال و سر دماغ باشی! صفحه ۱۰ اکتبر را دیدم، خیلی دوست دارم بیشتر از شما راجع به مسائل اجتماعی بدوم. احساس میکنم در مقاله ها و مصاحبه های شما پتانسیل عظیمی انسانی خوابیده که باید بیشتر برای ما بازش کنید!

اتفاقا احساس میکنم بر خلاف تمام ادعاهای مطرح شده نیاز اجتماعی جامعه ایران به یک جریان انسانی، موجودیت حزب اتحاد را هر چه بیشتر معنی میکند! حداقل به زعم خودم قوی ترین رگه این برخورد و متدولوژی انسانی واقعی را در شما، چه در گذشته و چه در حال می بینم. من فکر میکنم ترافیک کاری شما بعضا جاهایی را خالی گذاشته، به شخصه دوست دارم بیشتر از شما مقاله بخوانم. مصاحبه های بیشتر، سمینارهای متعدد تری را شرکت کنم و بشنوم. باز هم خسته نباشید میگم. حزب اتحاد کمونیسم کارگری و به شخص شما حاکی از امیدواری و حرکت را دوباره زنده میکند! از صمیم قل براتون احترام قائلم و آرزوی پایداری بیشتری را دارم. دوستدار همیشگی شما، علی طاهری

## علی طاهری عزیز،

نامه ات به رفیق جوادی را منتشر کردیم تا بیشتر بنویسد و بیشتر سمینار بگذارد. حزب اتحاد کمونیسم کارگری در همین مدت کوتاه فعالیتش با تمام ضعفها و کمبودهایش خوب کار کرده و

چهره انسانی و آزادخواهانه کمونیسم کارگری را شفاف تر معرفی کرده است. این امر و نتیجه کار همه کادرها و اعضا و دوستداران این حزب و شخص شما هم هست. آستین ها را بالا بزنید و برای ایفا نقش وسیع تر آماده شوید. جنبش ما به هزاران رهبر کمونیست که در قلب جامعه و جنبش شان جای میگیرند نیاز دارد. پیروز باشید.

## بهزاد

سلام های گرم من را بپذیرید، طی مطالعه ی نامه ی جناب جوادی سوالی برای من پیش آمده که ممنون میشوم من را از جواب آن در اطلاع بگذارید: آیا حزب شما موافق آزادی جنسی و اعتیاد است؟ و اگر نیست پس چرا مجازات پیرامون این برنامه ها را محکوم می کنید؟

ممنون و متشکرم ...

## بهزاد عزیز،

موضع سیاسی حزب در مورد روابط جنسی و معضل اعتیاد را در برنامه حزب، یک دنیای بهتر، بخوانید. خیلی کوتاه؛ ما معتقدیم ایجاد رابطه جنسی داوطلبانه و آزادانه افراد بزرگسال حق و امر خصوصی آنهاست و دولت و قانون و هیچ مرجعی مجاز نیست در این امر دخالت کند. مضافا اینکه آموزش جنسی برای جوانان و نوجوانان باید جزو مواد درسی دبیرستانها و نظام آموزشی باشد تا اطلاع و آگاهی علمی جامعه به جنبه های مختلف روابط جنسی و حقوق خود در این زمینه ارتقا یابد. بنابراین ما چیزی به عنوان "جرم" در این زمینه نداریم و طبعاً "مجازات" براین اساس را نیز قبول نداریم. شاید لازم نباشد اما باید تاکید کرد که مسائلی مثل تعدی جنسی به کودکان و افراد زیر سن قانونی و یا تجاوز جنسی و خشونت علیه زنان، در چهارچوب جرائم سنگین در برنامه ما گنجانیده شده و با بحث آزادی روابط جنسی آگاهانه و داوطلبانه افراد بزرگسال تفاوت ماهوی دارند. آیا شما فکر

میکنید نباید بزرگسالان در تعیین و چند و چون روابط خصوصی شان آزاد باشند؟

در مورد اعتیاد بحث ما بر غیر جدائی شدن اعتیاد و کمک به ترک اعتیاد است. از نظر ما نه اعتیاد جرم است و نه معتاد مجرم است. بنابراین ما با سیاست جداسازی، زندانی کردن و تبعید معتادین مخالفیم. به نظر ما دولت و کلینیکهای ترک اعتیاد با در اختیار گذاشتن مصرف شخصی به معتادین در صورت اعلام آمادگی و شرکت آنها در دوره های ترک اعتیاد، و همزمان ممنوع کردن اکید خرید و فروش مواد مخدر و مقابله با باندها و مافیاهای تولید و توزیع مواد مخدر، بهتر میتواند به این معضل اجتماعی پاسخ دهد. ما معتاد را قربانی میدانیم و نه مجرم. با اعدام و مجازات قربانیان جامعه مصون نمیشود. اعتیاد مسئله ای اجتماعی است و باید برای رفع آن راه حل اجتماعی و انسانی داشت.

## بهزاد

با سلام و تشکر فراوان (خدمت) جناب جوادی، همچنین اینجانب به دلیل مدارج علمی ممتاز خود در مدرسه ممتاز شهر و همچنین داشتن روابط اجتماعی قوی و سابقه ی خوب خود از دوستان کثیری بهره مند میباشم و سعی دارم عضو های فعال تحصیل کرده را به جامعه شما اضافه نمایم چراکه اعتقاد دارم عضو های تحصیل کرده و ممتاز هستند که می توانند فعالیت های ممتاز و خوبی داشته باشند... در ضمن اگر اجازه بدین، جناب جوادی از شما سوالی داشتم مینی بر: آیا این گروه با گروه های دیگر چپ گرا چون فدائیان کمونیست ارتباط دارید؟ یا خیر؟ یا این که آن ها از متحدان ما می باشند. سوال دیگر اینست که اکثر اوباش در رژیم از قشر بیسواد هستند. افراد باسواد دست به اینکارها نمی زنند. از نظر حزب باید با اینها چگونه برخورد کرد؟ با سپاس فراوان و به امید رسیدن به اهدافمان.

## بهزاد عزیز،

## نامه ها...

خسته نباشید. خوشبختانه امروز جامعه ایران در قیاس با دو دهه گذشته جامعه باسوادتری است. هرچند بیسوادی هنوز ریشه کن نشده و حکومت اسلامی مدام دارد سم جهل و خرافه به جامعه تزریق میکند و این لطامات اجتماعی خود را ببار می آورد. بسیاری از کارگران امروز حداقل دیپلم دارند و خیلی های دیگر مدارک دانشگاهی. داشتن سواد کلاسیک و آکادمیک البته کمک زیادی به فراگیری سریعتر بطور کلی میکند اما دانش طبقاتی و درک تناقضات اجتماعی و طبقاتی و مقابله با آن مشروط به داشتن مدرک تحصیلی نیست. بلکه انعکاس زندگی واقعی طبقه و یک مکانیزم سوخت و ساز اجتماعی آنست. همزمان مبینید که بسیاری از تحصیل کردگان با مدارج بالا در خدمت طبقه حاکم هستند. ما جنبش کمونیستی کارگری و آزادیخواهانه هستیم که در قیاس با جنبشهای راست منافع اکثریت عظیمی را نمایندگی میکنیم. این حزب به هر کسی تعلق دارد که با آرمان اجتماعی کمونیسم تعلق دارد و حاضر است به سهم خود و داوطلبانه برای تحقق این امر فعالیت متشکل کند. ما نه امتحان سواد و درجه مدرک علمی میگیریم و نه برای داشتن و نداشتن آن امتیازی قائلیم. این حزب انسانهای برابر است که برای برپایی نظامی تلاش میکند که همگان از نعمت سواد و دانش و سلامتی و بهداشت و آزادی و رفاه و خوشبختی برخوردار باشند. ما جنبشی انسان محور و برای آزادی و رهائی قطعی انسان هستیم. از نتیجه تلاشهایتان حزب را مطلع نگه دارید.

در مورد سوال دومتان که "اکثر اوباش در رژیم از قشر بیسواد هستند. افراد باسواد دست به اینکارها نمی زنند"، هم درست است و هم نادرست. درست است چون بیشتر جنبشهای ارتجاعی روی نیروهای لمپن و گوش به فرمان و مزد بگیر حساب میکنند و در مواقع مقتضی آنها را به جان مردم

معرض و انقلابیون می اندازند. نادرست است چون بیشتر استراتژیستها و مشاوران سیاسی و تروریستها و وزرا و عاملین قتل و جنایت در رژیم اسلامی و هر رژیم ارتجاعی دیگر مدارک تحصیلی بالا دارند. همه شان دکتر و استاد اند و ده لقب و زیر تیتر دانشگاهی برای خودشان جور کردند یا واقعا دارند. نکته من اینست بحث سواد در سوالات شما زیادی با آزادمنشی اتومات یکی فرض شده است. آقای زرقاوی نفر دوم القاعده دکتر است و سر میبرد و شاگردانش به سبعمانه ترین شکل آدم میکشند. ژنرالها و ماموران جاسوسی دولت آمریکا همه شان دانشگاه دیده و تحصیل کرده اند. پرفسورهایشان تئوری کشتار جمعی و ارتجاع قرون وسطی را میپروراندند. نکته اینست که داشتن و نداشتن سواد و مدارک تحصیلی و با تعلق به یک خانواده مرفه یا فقیر، بخودی خود فرد را انقلابی یا ارتجاعی نمیکند. این تمایلات و امر و نقد اجتماعی افراد است که آنها را به جنبشی معین و به از این طریق به احزابی معین وصل میکند. برخورد ما با اوباش رژیم جزئی از مبارزه سیاسی ما با کل رژیم است. ما برای سرنگونی کلیت این پدیده ارتجاعی تلاش میکنیم. در عمل مشخص و اعتراض خیابانی باید تهاجم اوباش را دسته جمعی عقب راند. اگر برخورد فردی با اوباش منظورتان است، ما سیاست سوزنی ارشاد اوباش را نداریم. اوباش در جامعه محصول یک مناسبات و قدرتی ارتجاعی اند. باید نظام اوباش را جارو کرد.

در مورد سوال سومتان که آیا حزب با گروه های دیگر چپ گرا چون فدائیان کمونیست رابطه دارد یا نه، خیر رابطه ای نداریم.

### آذر جان سلام

امروز صحبت هایی در رابطه با کمپین یک ملیون امضاء را دیدم. بسیار خوشحال شدم که خیلی خوب و رادیکال زدی به ریشه ی موضوع. و در خواست می کنم بیشتر راجع به این موضوع صحبت کنی تا توجه زنان در ایران به اقدامات جدی تر جلب

شود. منتظر نامه شما هستیم. با تشکر فراوان.

### دوست گرامی

با تشکر از شما. یک رکن اساسی فعالیت تلویزیون حزب و نشریات و ادبیات ما، نقد جنبشهای دیگر و ارائه راه حل رادیکال و اجتماعی برای پیشروی اعتراض علیه تبعیض و نابرابری است. نشریات یک دنیای بهتر مقالات خوبی از آذر ماجدی در زمینه مورد اشاره شما دارد. از شما دعوت میکنیم آنها را بخوانید. در سایت حزب موجوداند. موفق باشید.

### م- س ایران

به نظر من ناموفق ترین حزب جریانات کمونیسم کارگریست و غیرکارگری و غیر مارکسیست. من م ح (منصور حکمت) خوندم. از وقتی دنبال حزب و قدرت سیاسی رفت دیگه از کارگران فاصله گرفتند و به شدت غیر کارگری شدند. قرار بود حزب تک بنی بسازند دیدیم که چطور چندین بنی شد. همه را خوب در داخل ایران مبینیم که چگونه این جریان هر روز به حاشیه رانده میشن و بی پایه هم میشن. الان به نظر من که دارم مبینیم، حزب کمونیست ایران و اتحاد سوسیالیست کارگری در بهترین موقعیت و دارای سیاستی درست و شفاف هستند و کارگران و بیشتر چپهای داخل حول این سیاست جمع شدند. اینو ما در ایران داریم مبینیم. شما که به نیروی خود کارگران بی اعتماد هستی (که کارگران تنها و تنها به نیروی خود آزاد خواهند شد) و میخواهید کودتای یک میلیون نفری بدون حضور و شرکت و خواست کارگران انجام دهید. که به نظرم برای شما ها اصلا امکان پذیر نیست. ما چطور به شماها اعتماد کنیم و چه حزب کارگری هستی؟ کارگری را هم به خودتون بعد از رفتن از حکا اضافه کردید. باید حول خواسته ها و مطالبات و اون افق سوسیالیستی باشید که به رهائی کارگران و ستمدیدگان

می انجامه نه اونی که دارید انجام میدید. باید سیاستی مارکسیستی داشته باشید. راستی من این روزها به مطالبی از سلام دموکرات خواندم از رضا مقدم بیشتر حرفهای منو زده. میتونید بخونید و اگه میشه نقد کنید. m-s iran

### م- س عزیز،

این نظرات شما وقت خودش - یعنی دوره استعفای رضا مقدم و مستعفیون از حزب- پاسخ داده شده است. به شما پیشنهاد میکنم بجای "غیر مارکسیست" گفتن زحمت بکشید و در رساله ای، مقاله ای، یا لافل با چند استدلال بدور از اغراض سیاسی، غیر مارکسی بودن یک سیاست را نشان دهید. اینطور آدم میداند چگونه باید بحث کند. فرمول قدرت سیاسی در مقابل کارگران فرمول قدیمی جناح چپ اپوزیسیون ملی و ناسیونالیست ایران است که برای هیچ مارکسیست و پراتیسیست کمونیست جدی ارزش ندارد. اگر کسی واقعا یک جو انصاف علمی و امانتداری سیاسی داشته باشد، جزو کسانی نباشد که از کارگر یک مذهب دیگر درست کردند و کارشان تقدیس کارگر از موضع طبقه متوسط است، و حرف منصور حکمت در بحث حزب و قدرت سیاسی را بشنود، "فاصله از کارگر" را از آن استخراج نمیکند. بلکه آنچه از بحث منصور حکمت میفهمد فاصله از چپ حاشیه ای و همیشه اپوزیسیون، که کارش فرستادن کارگران دنبال نخود سیاه است و جنگ قدرت را به بورژوازی واگذار میکند، استخراج میکند. شما و هر کس قبل از اینکه مخالف منصور حکمت در این بحث باشید، قاعدتا باید مخالف عمل بلشویکها و لنین در انقلاب اکبر باشید و به سیاق روشنفکران بورژوا آن را "کودتا" بنامید! اما اینها برای حرکت این دوستان سابق گره بحث نیست. حقیقت اینست که پدیده دو خرداد اپوزیسیون را جابجا کرد. بازتاب آن هم در حزب ما پوششی "کارگری" داشت. حزبی که یکماه پیش قرار بود با آن انترناسیونال بسازند را منحل اعلام کردند و فرمان خروج و

کارگران عسלוویه پیشقدم شده اند!

## اعدام نه!



۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری با تمام قوا میکوشد تا مبارزه علیه مجازات شنیع اعدام و برچیدن بساط اعدام را به مبارزه علیه رژیم اعدام و ترور و شکنجه گره بزند. جهان در ۱۰ اکتبر باید شاهد بزرگترین اعتراضات در این زمینه باشد. اعدام جنایت سازمان یافته دولتی است. قتل عمد دولتی است. اعدام عاملی در سرکوب اعتراضات جامعه و به انقیاد در آوردن مردم است. اعدام یک رکن پایه ای رژیم جمهوری اسلامی برای بقاء حاکمیت سیاه اسلام و سرمایه در ایران است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری به کارگران عسلوویه بخاطر پیشگام شدن در مبارزه علیه اعدام در این شرایط تبریک میگوید. ما دست این رفقای کارگر را میفشاریم. حزب در عین حال از همه فعالین کارگری، از همه تشکل ها و نهادهای کارگری میخواهد که همگام با کارگران عسلوویه و کارگران اتحادیه های کارگری در آمریکا برای برچیدن بساط اعدام فریاد بزنند: "اعدام نه!"

ما از همه شما میخواهیم که نیروی خود را پشتوانه این حرکت جهانی برای برچیدن بساط اعدام در جهان کنید.

جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ  
با اعضای رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری

## بررسی اوضاع سیاسی ایران

\* موج اعدامها و راه مقابله با آن \* موقعیت رژیم  
اسلامی \* کمونیسم کارگری و مسئله سرنگونی

علی جوادی، سیاوش دانشور، نسرین رضاعلی، آذر ماجدی



لندن؛ شنبه 22 سپتامبر ساعت 18.00 عصر

St Mary's Hall, 30 Hendon Lane  
Finchley Central

\* نمایشگاه عکس، اسلاید شو، میز کتاب و نشریات

از عموم علاقه مندان برای شرکت در این جلسه دعوت میکنیم!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد انگلستان

تلفنهای اطلاعات؛

سیروان قادری 07912689231 شماره نوری 07881726475

### نامه ها ...

ترکش را در مطبوعات صادر کردند! این رویداد بدوا بر سر بحث حزب و قدرت سیاسی نبود، بر سر ارزیابی از اوضاع ایران و تاکتیک حزب بود. بحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه مجرا و مقطع و توجیه رفتن این دوستان شد. بجز بهمن شفیق که لااقل جرات اظهار نظر و جنگیدن برای حرفش را داشت، عمده شان چیزی نگفتند و در سکوت رفتند. اطلاعیه های استعفایشان را حزب همراه با بقیه مردم خواند. این تمام شکوه "شورش اوریل" بود! شورشی که شکست کمونیسم کارگری را اعلام کرد و هشت سال بعد و در فرم بیات شده اش مجددا آقای مقدم تکرار میکند! بیرون حزب هم بعد از جزوه آقای آذرین پراکنده شدند و ماند محفل کنونی چند نفره اتحاد سوسیالیستی کارگری. اخیرا هم سیاست زیر چادر و نقاب حرفهای زشت زدن و رفتار غیر سیاسی و فرهنگ ملی اسلامی را رواج دادن، در پوشش چهره جدید و ناشناخته "سیامک کامران" اما مطلع از تمام لحظات حزب کمونیست کارگری، روی صحنه آوردند. روآوری به این روشهای بسیار "کارگری و مارکسیستی" البته برای هر ناظر سند محکمی دال بر همین پیشرفت مورد اشاره شما در میان بیشتر طبقه کارگر و چپ است!

کمونیسم کارگری منصور حکمت هنوز ترند اصلی کمونیسم ایران است. موقعیت تشکیلاتی این جنبش البته با موقعیت بالفعل و بالاقوه آن هیچ تناسبی ندارد. تشننت تشکیلاتی این معضل را عمیقتر کرده است. این موضوعی است که باید کمونیستهای کارگری به آن پاسخ دهند و طبعاً امر شما نیست. اما ما امیدواریم که کارگران و چپها، آنهم "بیشتر شان"، با هر روایتی حول یک سیاست سوسیالیستی جمع شوند. در چنین شرایطی مطمئن باشید کمونیسم کارگری بیشترین نیرو را دارد. اما اگر اینطور بود، دنیا میدید و اطلاع رسانی "از داخل" هم لازم نمیشد، بحثهای شما و دوستان شما هم در این سطح نبود. برخلاف شوق و ذوق آقای مقدم و شما مبنی بر آرزوی شکست و بن بست و ناموفق بودن برای کمونیسم کارگری، که ریشه ای ضد چپ و سکتاریستی و غیر کارگری دارد، ما خوشحال نیستیم در مجموع چپها و کمونیستها و رادیکال ها و سکولارها در مقابل راستها و اسلامی ها و احزاب بورژوا ضعیف باشند. قدرت جنبش کارگری و چپ بدوا قدرت گرایش سوسیالیستی طبقه است و حزب ما جزو لاینفک این افق و کمونیسم طبقه کارگر است. ما رقابتی با محفل آقای مقدم - آذرین نداریم. نه کمترین معضل ما هستند و نه با آنها دشمنی داریم. این دوستان رفقای قدیمی ما بودند. روزی بنا به دلایل سیاسی رفتند و گفتند وقت فعالیت حزبی نیست. (آقای آذرین سالها قبلش رفت) ما برایشان آرزوی موفقیت کردیم و اظهار امیدواری کردیم که در جبهه های مبارزه سوسیالیستی همدیگر را ببینیم. گفتیم دنیا بزرگ است ما با کسی رقابت نداریم. این دوستان رفتند و عمدتاً نشنستند. فعالیت و حضور محفل باقی مانده هم جلو چشم همه است. مطلب آقای مقدم را هم خواندم. حرف جدیدی نداشتند. آنچه دیگران گفته بودند و ایشان نگفته بود را تکرار کرده بودند تا حقانیت خود را بعد از سالهای طولانی سکوت معنی دار اثبات کنند. یک مجموعه تحریف و تلاش فرقه ای تاسف آور. پاسخ رضا مقدم را هم میدهیم. فعلاً اولویتهای مهمتری داریم. موفق باشید. \*



## اتحادیه های کارگری بر علیه اعدامها و در دفاع از ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام و رژیم اسلامی اعدام

نامه سرگشاده به سایتها، نهادها، سازمانها و احزاب مخالف اعدام  
به کمپین روز جهانی "علیه اعدام، علیه  
رژیم صد هزار اعدام" بپیوندید!

اسلامی حکومت اعدام و چوبه های  
دار است. مصداق بارز حکومت  
اعدام در سطح جهان است. بدون  
اعدام و سرکوب قادر به دوام  
نیست.

ما از تک تک شما نیروهای  
مخالف مجازات ضد انسانی اعدام  
درخواست میکنیم که در ادامه  
فعالیتها بر علیه اعدام به این کمپین  
جهانی بپیوندید. نیرو و توان  
سیاسی و مبارزاتی خود را پشتوانه  
پیشروی این کمپین جهانی کنید.  
دخالته موثر و قدرتمند شما میتواند  
فضای سیاسی و مبارزاتی لازم را  
برای برچیدن بساط اعدام در جهان  
و در ایران بوجود آورد.

دستان را میفشاریم و برایتان  
آرزوی موفقیت میکنیم!

علی جوادی

دبیر کمیته مرکزی حزب اتحاد  
کمونیسم کارگری

۷ سپتامبر ۲۰۰۷

دوستان و رفقای عزیز

سلامهای گرم ما را بپذیرید.  
همانطور که مطلع هستید، روز  
۱۰ اکتبر - ۱۸ مهر، روز  
جهانی علیه اعدام در سطح جهان  
است. اما امسال در شرایطی که  
رژیم جمهوری اسلامی بساط  
اعدام را در سطح جامعه برپا  
کرده است، سازمان عفو بین  
الملل، ائتلاف جهانی علیه اعدام  
و همچنین برخی از "ان جی او"  
ها قطعنامه ای را به مجمع  
عمومی سازمان ملل در ۱۰ اکتبر  
مبنی بر توقف اعدام در سطح  
جهان ارائه خواهند کرد. این اقدام  
گامی موثر در جهت لغو قانونی  
"مجازات اعدام" در سطح جهان  
است.

از این رو حزب اتحاد کمونیسم  
کارگری کمپینی را بنام "علیه  
اعدام، علیه رژیم صد هزار  
اعدام" بمنظور گسترش این  
مبارزه اعلام کرده است. تلاش ما  
این است که مبارزه "علیه اعدام"  
را به مبارزه علیه "رژیم اسلامی  
اعدام" گره بزنیم. جمهوری

میکنیم. ما یکبار دیگر رژیم  
جمهوری اسلامی را بخاطر اعدام  
هزاران تن از مخالفین سیاسی قویا  
محکوم میکنیم.

ما تصویب میکنیم که سران رژیم  
جمهوری اسلامی به جرم جنایت  
علیه کارگران و مردم در ایران  
باید محاکمه شوند.

**اتحادیه کارگران شهرداری (لوکال ۲۶۲۰)، اتحادیه کارکنان حرفه ای و مهندسی، اتحادیه کارگران نجاری (لوکال ۲۰۹)، اتحادیه بین المللی کارگران خدمات (لوکال ۶۶۰)، فدراسیون شوراهای کارگران لس آنجلس، اتحادیه کارگان حمل و نقل و (لوکال ۵۰۲)، اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۳۳۸)، کنگره سازمانهای صنعتی و فدراسیون کار آمریکا (شعبه لس آنجلس)، فدراسیون معلمان آمریکا (لوکال ۱۰۲۱)، اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۷۲۸)، اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۹۴)، اتحادیه کارگران مواد غذایی (لوکال ۷۷۰)، اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۰۰۰)، اتحادیه کارگان متال (لوکال ۱۰۸)، اتحادیه کارگران نساجی (لوکال ۲۲۹۷)، اتحادیه کارگران نجار (لوکال ۴۰۹)، اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۱۸۶)، اتحادیه کارکنان هتل و رستوران (لوکال ۱۱۸۶)، اتحادیه کارگران بارانداز (لوکال ۱۷۱۰)، اتحادیه کارگران شستشو (لوکال ۵۲)، اتحادیه کارگران ساختمانی (لوکال ۱۱۷۰)**

زنده باد همبستگی بین المللی  
کارگران!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۷ سپتامبر ۲۰۰۷

در پی تماس فعالین حزب اتحاد  
کمونیسم کارگری با اتحادیه ها و  
تشکلات کارگری در آمریکا، این  
تشکلات، رژیم جمهوری اسلامی  
را بخاطر اعدام های وحشیانه،  
دستگیری و سرکوب فعالین  
سیاسی و کارگری قویا محکوم  
کردند. این تشکلات خواهان پایان  
دادن فوری به اعدامها و آزادی بی  
قید و شرط تمامی دستگیر شدگان،  
لغو احکام صادره بر علیه فعالین  
کارگری سندیج و همچنین آزادی  
محمود صالحی، منصور اسانلو و  
بختیار رحیمی شدند. متن قطعنامه  
و امضا کنندگان این قطعنامه به  
قرار زیر است:

ما نمایندگان اتحادیه های کارگری  
رژیم جمهوری اسلامی را به  
خاطر اعدامهای وحشیانه،  
دستگیری فعالین کارگری و  
دانشجویی و سرکوب سیستماتیک  
مردم در ایران محکوم میکنیم.

ما نمایندگان اتحادیه های کارگری  
خواهان توقف فوری کلیه اعدامها  
در ایران هستیم. ما خواهان آزادی  
فوری و بی قید و شرط تمامی  
دستگیر شدگان و آزادی تمامی  
زندانیان سیاسی هستیم.

ما نمایندگان اتحادیه های کارگری  
خواهان آزادی فوری تمامی فعالین  
کارگری، محمود صالحی،  
منصور اسانلو، بختیار رحیمی و  
همچنین لغو کلیه احکام صادر شده  
علیه فعالین اتحادیه کارگران  
اخراج و بیکار در سندیج - ایران  
هستیم.

۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام  
است. ما خواهان لغو اعدام در  
جهان هستیم و از اینرو از  
قطعنامه عفو بین الملل برای لغو  
اعدام در سطح جهان حمایت

آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این  
جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش  
در باره جلا د سردهیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از  
جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟

کارل مارکس





## موازیان کار نشریه یک دنیای بهتر

## در قتلگاه ایران خودرو یک کارگر دیگر قربانی شد!

یکی دیگر از کارگران شرکت ایران خودرو روز پنجشنبه حین کار کشته شد. روزپنجشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۸۶ یکی از کارگران شرکت ایران خودرو در اثر سقوط پالت از روی لیفتراک جان خود را از دست داد.

علی اکبر شورگشتی کارگر انبار ریخته گری در اثر یک حادثه در جلو چشم همکاران خود به طرز فجیع کشته شد. این کارگر قربانی سیاستهای غلط مدیریت شرکت که کار رانندگی را به شرکتهای پیمانکاری سپرده است شد. این شرکتهای بدون هیچگونه نظارت و آموزشی و بدون رعایت استانداردهای رانندگی در محیط کاری مشغول به کار هستند. مرگ شورگشتی نشان داد هنوز محیط های کاری ناامن بوده و بازرسی وزارت کار هیچگونه نظارتی بر آن ندارند.

ما مرگ همکار عزیزمان علی اکبر شورگشتی را به همه همکاران و به خصوص خانواده محترم ایشان تسلیت گفته و از همکاران عزیز می خواهیم در مراسم بزرگداشت ایشان که روز دوشنبه ساعت ۳۰/۱۵ در کلاک کرج برگزار خواهد شد شرکت کنند.

## جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو

**حزب اتحاد کمونیسم کارگری به بازماندگان و دوستان علی اکبر شورگشتی صمیمانه تسلیت میگوید و از فعالین کارگری و کارگران ایران خودرو میخواهد که در مراسم بزرگداشت او شرکت کنند. محیط ناامن کار در ایران به قتلگاه کارگران تبدیل شده است و مسبب آن سرمایه داران و دولتشان است. ادعایمانه کارگران علیه جنایت در محل کار و قتل هم طبقه ای هایشان باید همه جا اعلام شود!**

## وضعیت فرزاد کمانگر بعد از یک سال دستگیری

فرزاد کمانگر متولد سال 1354 ساکن کامیاران شغل وی معلم است و مدت 5 سال در مدارس روستاهای اطراف کامیاران و شهر کامیاران مشغول تدریس بوده است. وی سرپرست خانواده بوده و مدت یک سال است خانواده وی در شرایط سخت و نگران کننده ای به سر می برند.

از تاریخ 28/5/85 در شهر سنندج تو سط نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی دستگیر شد و 4 ماه هیچ گونه اطلاعی از وی نبود و هرچه خانواده او به اطلاعات کامیاران و سنندج مراجعه می کردن آنها اظهار بی اطلاعی می کردند. ولی بعدها مشخص شد بعد از دستگیری او را به بند 209 زندان اوین انتقال میدهند و مورد شکنجه و بازجویی قرار میدهند. طی این مدت 3 بار او را تحت شرایط شدید امنیتی به سنندج و کرمانشاه برای بازجویی انتقال می دهند. در بهمن و اسفند 85 در شهر کرمانشاه تحت شکنجه بی رحمانه و بازجویی بوده است.

بعد از 7 ماه اطلاعات اجازه ملاقات بسیار محدود به او میدهند و تنها برادر و مادرش می توانند او را ملاقات کنند انهم بسیار کم و با حضور چند نفر اطلاعاتی. یک سال از زندانی کردن فرزاد میگذرد و تا حالا هیچ گونه جلسه دادگاهی و تفهیم اتهامی بر گذار نشده است. وکیل مدافع وی تا کنون موفق به ملاقات با او نشده است و هیچ گونه پرونده ای در اختیار وکیل قرار نگرفته است.

فرزاد اکنون در بند 209 زندان اوین تحت اذار و اذیت و شکنجه فراوان است تا حالا چندین بار اعتصاب غذا کرده است ولی متأسفانه هیچ نتیجه ای نداشته است. او را چندین بار به بیمارستان انتقال داده اند. فرزاد از درد پا و چشم بر اثر شکنجه رنج می برد.

از گزارش هیرش از شهرستان کامیاران منتشر شده در سایت انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر.

\* نشریه یک دنیای بهتر هر هفته در 12 صفحه منتشر میشود.

\* هر مقاله سیاسی حداکثر دو صفحه نشریه را بخود اختصاص میدهد. بنابراین حجم مطالب باید حداکثر معادل سه صفحه ورد با فونت 14 باشد. ترجیح ما اینست که هر مطلب از یک صفحه نشریه بیشتر نباشد.

\* سردبیر در تلخیص، انتشار و یا رد مطالب آزاد است. هر مورد به اطلاع نویسنده میرسد.

\* مطالب منتشر شده در نشریه نظر نویسندگان آن را منعکس میکند و ضرورتاً موضع رسمی حزب اتحاد کمونیسم کارگری نیست. مواضع رسمی حزب در اطلاعیه ها، قطعنامه ها، بیانیه ها و قرار ها و یا از طریق ارگانهای حزبی انعکاس می یابند.

\* یک دنیای بهتر هدفش اینست بیشتر یک نشریه سیاسی - انتقادی - سازمانده باشد تا یک نشریه تئوریک - جدلی - آموزشی. اینگونه مطالب در بولتن مباحثات "کمونیسم کارگری" که ماهیانه منتشر میشود، چاپ میشوند.

با نشریه یک دنیای بهتر همکاری کنید.

## به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک مالی کنید!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای جامعه ای آزاد، برابر، و مرفه مبارزه میکند. ما در مبارزه خود به کمکهای مالی شما نیازمندیم.

Wells Fargo Bank,

Routing Number : 121 000 248

Account Number : 36 48 4688 52

## به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید!

اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است! منصور حکمت

## فرم تقاضای عضویت در حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱- نام و نام خانوادگی: (اسمی که با آن فعالیت سیاسی میکنید)

۲- سال تولد:

۳- چگونه با حزب آشنا شدید؟

تاریخ: امضا:

تلفن: ای میل:

\* سابقه تحصیلات، تسلط به زبانهای اروپایی، قابلیت های فنی و تخصص های حرفه ای:

\* شهر محل تولد و زندگی:

\* سابقه فعالیت سیاسی و متشکل:

## برنامه های تلویزیونی برای یک دنیای بهتر

**جمعه:** ساعات ۵ بعد از ظهر  
بوقت تهران

**یکشنبه:** ساعت ۱۲:۳۰  
ظهر بوقت تهران

### در تلویزیون کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست، جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم.

لطفاً روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

نیست تا دیگران درس عبرت بگیرند؟ آیا به نمایش گذاردن چنین جنایاتی از طرف مجریان قانون یاد آور توابع ساختن و ارباب مردم نیست؟

آیا عامل احساس گناه و عذاب وجدان ناشی از آن، همان نکته ای نیست که ما به دنبالش میگردیم؟ به قول فروید: مذهب و آئین و آدابش وسیله ای میشود در خدمت دفاع انسان در مقابل ترس.

کمونیسم البته ریشه مسائل را نه صرفاً در روان مجرمین و بانیان قتل بلکه در مناسبات اجتماعی میبیند و تغییر ریشه ای آن را هم در تغییر این مناسبات و شرایط تحمیلی تبیین میکند. امروز که جامعه از شر مذهب و خرافه نجات یابد، جرم و ناهنجاری در جامعه بعنوان موضوعی اجتماعی و نه انحراف و الحاد از عقاید بررسی میشود.

[Shahla.n@bredband.net](mailto:Shahla.n@bredband.net)

Tel:+46 737 262 622



## به قول فروید ... جرم، مذهب، جزای دینی شهلا نوری

انقامجیری شخصی در میان نیست چون عملاً شاکتی خصوصی در میان نیست و مجازات فقط به دلیل اثبات قدرت خدا و ایجاد ترس از جهنم و خشم خدا صورت میگیرد. من میخواهم از شما سؤال کنم که چه عواملی باعث میشود تا افرادی در آگاهی کامل طناب دار را به گردن دیگری بیاندازند و او را اعدام کنند؟ آیا اعدام کننده قربانی خود را میشناسد یا با او دشمنی شخصی دارد؟ اگر جمهوری اسلامی در این ۲۷ سال بیش از ۱۰۰ هزار نفر را اعدام نکرده بود، آیا کسی به خودش اجازه میداد دیگری را به راحتی به قتل برساند؟ مردم تحت تاثیر قوانین حاکم بر جامعه رشد میکنند و شکل میگیرند. هیچ انسانی جنایتکار به دنیا نمی آید. من معتقدم یک کمپلکس درونی عمیق انسان را به انجام جرم وادار میکند. حال میخواهد جرم فردی انجام گیرد خواه دولتی و برنامه ریزی شده.

نکته مهم در اینجا است که مجازات شونده مثل آیینی ای است که مجازات کننده گناهان خود را در او میبیند و با دیدن منظره مجازات از درد خود میکاهد. مجازات دیگری؛ یعنی به مجازات رساندن نیمه گناهکار شخص مجازات کننده. انزجار و نفرتی که مجازات کننده از گناهان خود دارد، در ضمیر ناخودآگاه او چنان کمپلکس عمیقی ایجاد میکند که برای رهایی از آن دست به نابودی دیگری میزند. حتماً شما در مورد اعدام زندانیان سیاسی مطالبی شنیده اید؟ پاسداران در زمان اعدام زندانیان سیاسی خود وضو میگرفتند و شعارهای اسلامی میدادند و برای ثواب بیشتر همه در کل مراسم شریک میشدند. بنظر شما به چه دلیل کیفر خود از جرم پیشی میگیرد؟ مثال دیگری میزنیم:

چرا شخصی را که به دلیل قتل به دار آویخته میشود، در ملاعام دار میزنند؟ چرا قبل از به دار آویختن او را شلاق میزنند؟ آیا به قتل رساندن قاتل کافی

اگر فرض بر این باشد که با اعدام یک مجرم از ارتکاب مجدد جرم پیشگیری میکنیم باید نقش سرکوبگرانه حقوق جزا را هم بررسی کنیم. در بررسی حقوق جزا مکاتب مختلفی وجود دارد که هیچ کدام نقش سرکوب در مجازات را انکار نمیکند. بهتر است بگویم که قانون جزا، بیانگر ارزشهای اساسی در جامعه است. بنابراین حقوق جزا علاوه بر نقش سرکوبگرانه، نقش بیان و توصیف ارزشهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، مذهبی و... حاکم بر جامعه میباشد. در جمهوری اسلامی، استقلال بین دستگاه قضایی و مذهب وجود ندارد و آنجا که در قضاوت مبتنی بر مذهب، جرم و گناه یکی میشود طبیعتاً دستاوردهای عصر روشنگری کنار گذاشته میشود و آنچه را که از نظر موازین حقوق بشر جرم شناخته شده است، همراه با آئین خاصی و در آگاهی کامل، با خونسردی و بدون پشیمانی توسط مجریان قوانین در جمهوری اسلامی اجرا میشود؛ مثل سنگسار زنی که رابطه خارج از ازدواج داشته است.

در جوامع اسلامزده، جرم مبتنی بر گناه یعنی زیر پا گذاردن قوانین خدایی و دینی و بخاطر آن انسانها را به قتلگاه میبرند؛ نظیر الحاد، کفر و محاربه با خدا. اگر اینگونه نبود میباید تمام کسانی را که اعدام به قتل دیگری کرده است اعدام کرد (از جمله کسانی که خود در مسند قدرت هستند). پس جمهوری اسلامی از این ابزار نه عنوان پیشگیری از جرایم بلکه به دلیل ایجاد جو رعب و وحشت استفاده میکند تا چند صباحی به عمر جنایتبار خود اضافه کند. رژیم اسلامی ایران با اعدام کسانی که ممنوعیتها را زیر پا میگذارند انتقام میگیرد تا از تحقیر اقتدارش جلوگیری کند. مثلاً در کیفر "گناه" از قبیل زنا و لواط مسئله

### آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیست و سوسیالیستی که به برپایی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری میرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

<http://www.m-hekmat.com/>

### یک دنیای بهتر

برنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری را  
بخوانید و به دوستانتان توصیه کنید!

از سایت و وبلاگ حزب دیدن کنید؛

[www.for-abetterworld.com](http://www.for-abetterworld.com)

<http://for-abetterworld.blogfa.com>

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!